شانزدهمین جشنواره تجسمی هنرهای فجر

16th Fajr
Visual Arts Festival

ویژه نامه

اسفند ۱۴۰۲

بسم الله الرحمن الرحیم

شانزدهمین جشنواره تجسمی هنرهای فجر
16th Fajr Visual Arts Festival

ناشر: موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر
زیر نظر: مسعود زنده‌روح کرمانی
سردبیر: محمد خاجی
مدیر اجرایی: سیدحسین محمدپور
دبیر تحریریه: زینب مرتضایی‌فرد
دستیار تحریریه: فاطمه شهدوست
ویراستار: فهیمه اسماعیلی
نویسندگان به ترتیب حروف الفبا: مجید احمدی
پرویز براتی، علیرضا بهرامی، سمیه رمضان‌ماهی، علی زادمهر
فاطمه شهدوست، پیمان طالبی، آذر مهاجر
عکاس رویداد: معین باقری
لیتوگرافی و چاپ: آندیا گرافیک
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
اسفند ماه ۱۴۰۲

www fajrtajasomi.ir
tajasomi

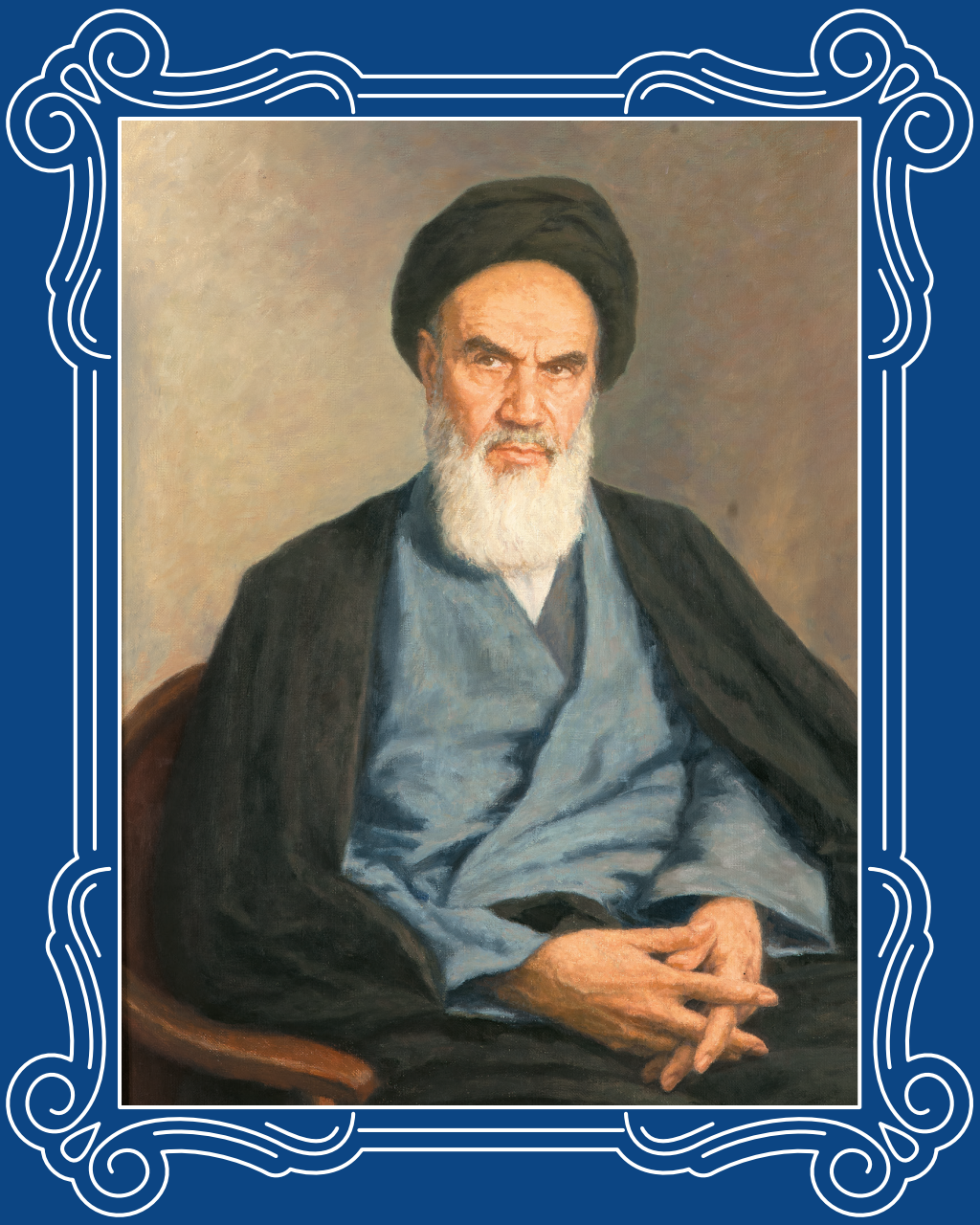

پرتره‌ها کیخسرو خروش |

پیام چهرهٔ ماندگار هنر

استاد محمود فرشچیان

به شانزدهمین جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر

هنرهای تجسمی، گنجینه ارزشمندی از تاریخ و فرهنگ و هویت ایران اسلامی است. طراحان، نقاشان، خوشنویسان، نگارگران، تصویرسازان، سفالگران و سایر هنرمندان عرصه طرح و نقش و حجم و تصویر، سنت‌های هنری گذشتگان را با نگاهی معاصر به تصویر می‌کشند و برای آیندگان ماندگار می‌کنند.

جشنواره هنرهای تجسمی فجر به عنوان گسترده‌ترین جشنواره هنری کشور، بستری است تا استادان هنر و جوانان هنرمند دستاوردهای هنری خود را ارائه و برگ دیگری به تاریخ شکوهمند فرهنگ ایران اسلامی افزون کنند. اکنون که این رویداد به شایستگی در گام شانزدهم خود قرار گرفته است، قدردان استادان، هنرمندان، دبیران، داوران و شرکت‌کنندگان آن هستم و دست تمام خادمین هنرهای تجسمی را به گرمی می‌فشارم. به ویژه برای جوانان هنرمند حاضر در این رویداد که در اعتلای این هنر شریف می‌کوشند، سلامتی و توفیق روزافزون آرزو دارم.

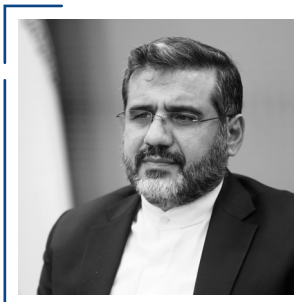

بخشی از سخنان

محمد مهدی اسماعیلی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

در بازدید از شانزدهمین جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر

کارهای جدید، فاخر و ارزشمندی در نمایشگاه بخش‌های رقابتی (طوبای زرین) شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر به نمایش عمومی درآمده است. این نمایشگاه در کنار تمام خلاقیت‌های هنری، به دغدغه‌ها و مسائل روز جامعه ایرانی و جهانی توجه کرده است. همچنین هنرمندان با استفاده از ظرفیت رسانه‌های هنری جدید به‌صورت ویژه به مسئله غزه پرداخته‌اند. خوشبختانه در زمینه پیشرفت‌های عمومی کشور و دیگر موضوعات مهم، کارهای خوب و فاخری روی دیوار رفته که مایه افتخار است. جشنواره هنرهای تجسمی فجر یک رویداد خاص است که در رشته‌های گوناگون فعالیت می‌کند و هر رشته یک دبیر دارد که این نشانه گستردگی و تنوع جشنواره است. همچنین این جشنواره امسال در تمامی استان‌های کشورمان یک دبیر هنری دارد و خانواده بزرگی از هنرمندان ذیل این رویداد جمع شده و آثار درخشانی را ارائه نموده‌اند.

بخشی از سخنان

محمود سالاری

معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

در آیین گشایش شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر

فجر شانزدهم به واقع یکی از گران‌سنگ‌ترین و ارزشمندترین دوره‌های جشنواره هنرهای تجسمی فجر است. با بخش‌های مختلفی که امسال در جشنواره هنرهای تجسمی فجر وجود دارد و آثار فاخری که به روایت داوران در جشنواره به نمایش درآمده است، اتفاق مبارکی را شاهد هستیم. فروغ جشنواره هنرهای تجسمی فجر به برکت شمع وجود هنرمندانی است که از گذشته تا به حال برای رشد این نهال زحمت کشیدند و آن را به درختی شانزده‌ساله تبدیل کردند. حضور یکایک عزیزانی که در این جشنواره شرکت می‌کنند حال کسانی را به انسان می‌دهد که در بحران‌ها کشور را فراموش نکردند و همدلی‌ها را از یاد نبردند، دوست داشتن‌ها را زیر پا نگذاشتند و ایثار کردند تا امید را در میان مردم رواج دهند. خوشبختانه امسال تمامی استان‌ها هم‌افزایی با شکوهی در جشنواره هنرهای تجسمی فجر داشتند. آثاری که به این دوره راه یافتند و گستردگی آنها نشان می‌دهد که بخش‌های گوناگون هنرهای تجسمی در استان‌های مختلف کشورمان در حال بالیدن، رشد و پویایی‌اند.

بخشی از سخنان

محمد خراسانی‌زاده

مدیرکل هنرهای تجسمی و رئیس شورای سیاست‌گذاری
شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر در آیین گشایش رویداد

رویداد هنرهای تجسمی فجر، امسال به ایستگاه شانزدهم رسید. رویکرد عمده ما این است که این رویداد به معنای واقعی کلمه، جشنی ملی برای همه هنرمندان ایران اسلامی باشد؛ هنرمندانی که به‌رغم سلایق، ذائقه‌ها، قالب‌های هنری و نگاه‌های مختلف، علاقه‌مندند که زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب قواعد کشورشان فعالیت کنند. به لطف خداوند امسال فرصتی فراهم شد تا چهره‌های هنری جدیدی که شاید پیش از این در جشنواره فجر حضور نمی‌یافتند، در این رویداد حاضر باشند. در ترکیب داوران، دبیران و عوامل برپایی جشنواره، تلاش‌مان بر این بود که توجه ویژه‌ای به بهره‌مندی از ظرفیت چهره‌های جدید داشته باشیم؛ چهره‌هایی که از حیث تخصص، سطح فنی و توانمندی در سطح عالی قرار دارند، اما کمتر نام و تصویرشان در جشنواره هنرهای تجسمی فجر و رویدادهای هنری مشابه دیده شده است. رویکرد متفاوت جشنواره امسال، کمک کرد تا بیش از ۱۰ هزار اثر به بخش‌های مختلف جشنواره ارسال شود. به اذعان داوران، تنوع سلیقه، نگاه، تکنیک و شیوه‌های اجرا در آثار ارسالی کاملا مشهود بود و حجم بالای آثار باکیفیت، آنها را برای انتخاب آثار به چالش کشید. حضور پررنگ تمامی سلیقه‌های هنری در جشنواره هنرهای تجسمی فجر، گامی موثر، راهگشا و نویدبخش برای برپایی رویدادی سرشار از نشاط، سرزندگی و رویش‌های جدید هنری بود و بی‌تردید، آینده درخشان عرصه هنرهای تجسمی متعلق به ایران اسلامی خواهد بود.

امیر عبدالحسینی
دبیرکل شانزدهمین جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر

نقاش وجود این همه صورت که بپرداخت
تا نقش ببینی و مصور بپرستی

دفتر شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر به همراهی چهره‌ها و سرآمدان هنرهای تجسمی آراسته و با حضور استادان هنر و هنرمندان شریف هنرهای تجسمی ایران اسلامی گشوده شد.

سرآغاز این دفتر به «هنر نوآور، خلاق، وحدت‌بخش و امیدآفرین» اختصاص یافت تا ارزش‌های هنری برآمده از اندیشه خلاق و نگاه نوآور هنرمندان این رویداد بر دل پر امید نظاره‌گران آثارشان بنشیند و بر همدلی اهالی فضل و فرهنگ و دانش و هنر بیفزاید. اقبال و استقبال کمی و کیفی اهالی هنرهای تجسمی برگ زرین دیگری در دفتر جشنواره شانزدهم شد و در ادامه نیز حضور جامعه دانشگاهی در کنار جامعه حرفه‌ای هنر بر کیفیت آن افزود تا دستاوردهای درخشان هنرهای تجسمی معاصر به شایستگی ارائه شود.

امروز این دفتر، سرشار از نقش و رنگ و طرح و حجم در پیش روی استادان، هنرمندان، دانشجویان، پژوهشگران، هنردوستان و علاقه‌مندان هنر گسترده است تا آثار ارزشمندی در بخش‌ها و گرایش‌های مختلف هنرهای تجسمی معاصر را به نمایش بگذارد. آثاری که از ذهن پویا، نگاه نافذ، جان شیفته، دل پر نور و روح صیقل یافته هنرمندان تجسمی برآمده و با رنگ‌های بی‌کران بر دیوارهای نمایشگاهی جشنواره خوش نشسته است که به تعبیر جناب مولوی شاعر بزرگ ایران زمین:

از دو صد رنگی به بی‌رنگی رهی‌ست
رنگ چون ابرست و بی‌رنگی مهی‌ست
عکس آن تصویر و آن کردارها
زد برین صافی شده دیوارها

نشان مفاخر هنرهای تجسّمی ایران

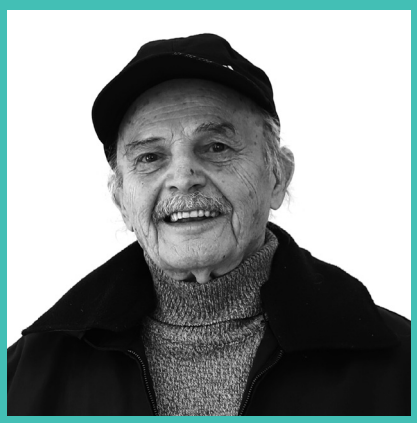

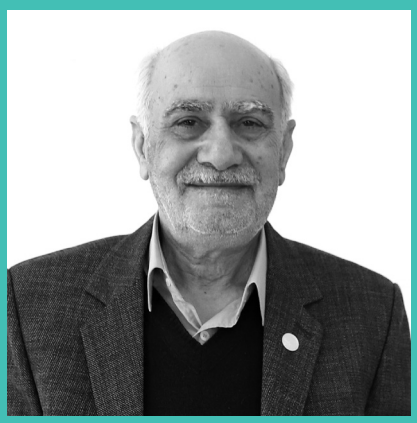

رضا بانگیز: نقاشی

رضا بانگیز، متولد ۱۳۱۶ در تهران، دانش‌آموختهٔ رشتهٔ نقاشی در آموزشگاه شبانهٔ هنری پاریس و دارای درجه‌یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. او در یکی از محله‌های جنوب شهر تهران متولد شد و علاقه‌اش به هنر ریشه در دوران کودکی‌اش دارد؛ آنجا که می‌گوید: «مادرم گه‌گاه روی شیشه حکاکی می‌کرد و شیشه‌ها را تراش می‌داد. پدرم نیز در دوره‌ای به پاریس رفته بود و روی شیشه نقاشی می‌کرد؛ منتها خط می‌انداخت. من هم از بچگی به کارهای هنری علاقه داشتم. کلاس دهم دبیرستان بودم که روزی در روزنامه خواندم: هنرستان هنرهای زیبای پسران هنرجو می‌پذیرد» و این‌چنین بود که کمی بعد، پس‌از شرکت در کنکور، توانست به دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران راه یابد. بانگیز علاوه‌بر نقاشی، در هنر مجسمه‌سازی نیز دستی بر آتش دارد و بسیاری از آثار او در مراکز معتبر هنری ازجمله موزهٔ هنرهای معاصر تهران نگه‌داری می‌شوند. این هنرمند در آثارش از بیانی روایی بهره می‌گیرد و داستان‌هایی ساده را بازگو می‌کند که از جهان پیرامونش نشئت گرفته‌اند. موضوع بیشتر آثار بانگیز از دل جامعه و قصه‌های فولکلور برمی‌آید و دارای ارجاعات بسیاری به فرهنگ مردم کوچه و بازار و داستان‌های عاشقانه‌ای چون لیلی و مجنون است. او راوی اساطیر و افسانه‌هاست و روایت‌های شخصی خود را از این دو ارائه می‌دهد.

منصور تام‌سن: نگارگری

منصور تام‌سن متولد ۱۳۲۴ در اصفهان است؛ هم‌او که در جایی گفته بود: «اصفهان مهد هنرهای سنتی است و خودبه‌خود آدم را به‌سمت این قسم از هنر می‌کشاند.» تام‌سن کارش را از هنرستان هنرهای زیبای اصفهان آغاز کرد و جزو نخستین فارغ‌التحصیلان این هنرستان به شمار می‌آید. این نگارگر و طراح نقوش سنتی ابتدا زیرنظر استاد عیسی بهادری، نقش قالی را آموخت و در ادامه، کاشی و سفال، تذهیب، میناکاری و دیگر هنرهای سنتی را با ممارست تمام دنبال کرد. تام‌سن طی سالیان متمادی به‌عنوان مدرس هنر به امر تدریس همت گماشت و توانست نسل‌های گوناگونی از هنرجویان مشتاق را تحت تعلیم و آموزش‌های هنری خویش قرار دهد. او هنرمندی است که همواره دغدغهٔ تعالی هنرآموزانش را در سر پرورانده؛ چه اینکه خود در گفت‌وگویی اظهار می‌کند: «دوست دارم آنچه را که در طول این سال‌ها آموخته‌ام، در اختیار هنرجویان بگذارم تا به تعالی برسند.»

محمدمهدی روحانی مشهدی: طراحی گرافیک

محمدمهدی روحانی مشهدی متولد ۱۳۲۶ در مشهد، دانش‌آموختهٔ رشتهٔ مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف و عضو هیئت‌علمی همین دانشگاه است. او در سال ۱۳۵۸، بانی تأسیس واحد گرافیک و انتشارات دفتر مرکزی جهاد سازندگی

شد و پس‌از آن، در نمایشگاه‌های مختلف هنری شرکت کرد. روحانی مشهدی در دوران انقلاب اسلامی پوسترها، پلاکاردها و لوگوهای متعددی را برای شرکت در راهپیمایی‌های مردمی طراحی کرد. باوجوداین، فعالیت‌های او نه‌فقط در زمینهٔ گرافیک هنری و مهندسی، بلکه در رشته‌های دیگری چون نقاشی، طراحی و خوشنویسی نیز امتداد یافت. اگرچه به‌جرئت می‌توانیم بگوییم ماندگارترین آثار به‌جامانده از این هنرمند در شاخهٔ گرافیک هنری و طراحی پوستر جای می‌گیرند، طراحی نشانه چهلمین سال تأسیس دانشگاه صنعتی شریف و همچنین، نشانهٔ جهاد سازندگی در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، از آن جمله است.

افشین شاهرودی: عکاسی

افشین شاهرودی متولد ۱۳۲۹ در دامغان، دانش‌آموختهٔ رشتهٔ ارتباط تصویری از دانشگاه هنر و دارای نشان درجه‌یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. او تحصیلات ابتدایی‌اش را در دامغان گذراند و پس‌از مدتی، روانهٔ تهران شد تا دوران دبیرستانش را در پایتخت سپری کند.

در اوایل دههٔ ۶۰۱۳ خورشیدی، شاهرودی جزو معدود افرادی بود که به نقد عکس در مطبوعات می‌پرداخت. این هنرمند بیشتر به عکاسی از مردم تمایل دارد و در آثار تازه‌اش رگه‌هایی از طنز نیز دیده می‌شود. شاهرودی افزون‌بر عکاسی، طبعی شاعرانه هم دارد و شاید از همین روست که شاعرانگی متمایزی در عکس‌های ثبت‌شده از سوی این هنرمند دیده می‌شود. این عکاس که در سال ۱۳۹۰ موفق به دریافت عنوان استاد جهانی از سوی کمیتهٔ سازمان‌دهی نخبگان جهان شد، در مقدمهٔ یکی از کتاب‌هایش با نام عکس‌ها در سال ۱۳۶۰، ضمن توصیف دیدگاهش دربارهٔ هنر عکاسی، می‌نویسد: «برای من عکاسی یک وسیلهٔ بیان است. وسیله‌ای صادق و امین که به‌دور از هرگونه شائبه، مفهومی را که من به‌عنوان عکاس از یک سوژه درمی‌یابم، به دیگران می‌رساند. لحظه‌هایی که دنبال سوژه‌هایم پرسه می‌زنم و یا ساعاتی که در تاریک‌خانه به بازسازی آن‌ها می‌پردازم، بهترین لحظه‌های عمر من است. من در آن مواقع با تصویرهایم آمیخته می‌شوم و سرانجام، آنچه را که بیننده به‌عنوان عکس‌های من می‌بیند، صورت‌هایی دیگر از خود من است؛ آن‌گاه که از قید شکل همیشگی‌ام رها شده‌ام.»

مهدی حیدری: سرامیک

مهدی حیدری متولد ۱۳۳۶ در تهران، دانش‌آموختهٔ رشتهٔ مهندسی پزشکی و طراحی صنعتی از دانشگاه ارلانگن آلمان است. او در سال ۱۹۹۴، دوره تخصصی راکو را در مونتلیمار فرانسه گذراند و سه سال بعد، مدرک دکترای خود را در رشته سرامیک

پیشرفته از CSUN نورتریج کالیفرنیا دریافت کرد. این هنرمند سرامیست ضمن عضویت در انجمن سرامیک آمریکا ACS و کرافت اروپا، در سال ۱۳۶۴ کارگاه کتیبه را راه‌اندازی کرد. حیدری در طول سال‌ها فعالیت و تجربه‌اندوزی در عرصهٔ سرامیک، بیشترین تمرکزش را بر خلق تابلوهاي ديواري نقش‌برجسته و کاشي‌کاري‌های ايراني معطوف ساخت و به‌صورت هم‌زمان به آموزش هنرجويان و برگزاري نمايشگاه‌هاي هنري پرداخت. او هنرمندی است که به‌واسطهٔ ابتکار، نوآوري و بهره‌گيري از ظرفيت غنی تاریخ هزاران‌سالهٔ سرامیک هنری در ایران، توانسته آثار شایسته و درخور بسیاری را از خودش به یادگار بگذارد. این هنرمند سرامیست تجربهٔ مدیریت هنری پروژه‌های بین‌المللی چون «سقاخانه» و «مترو؛ موزهٔ پنهان تهران» را در کارنامه‌اش به ثبت رسانده است.

محمدحسین صلواتیان: تصویرسازی

محمدحسین صلواتیان متولد ۱۳۴۰ در همدان است. او دانش‌آموختهٔ کارگردانی انیمیشن از دانشگاه صداوسیماست و به‌واسطهٔ آثار پرشمارش در زمینهٔ تصویرسازی کتاب‌های کودکان و نوجوانان، شناخته می‌شود. صلواتیان از سال ۱۳۶۸ فعالیت حرفه‌ای‌اش را در هنر تصویرسازی آغاز و به‌طور هم‌زمان، نخستین کتابش را نیز در همان سال منتشر کرد. یکی از خصوصیات مشهود و برجسته در آثار این هنرمند، پایبندی به مؤلفه‌های قوام‌بخش فرهنگ اسلامی ایرانی و حُسن ترکیب آن با عناصر خیال‌انگیز هنر تصویرسازی است. از منظر این تصویرساز، مهم‌ترین ویژگی‌های تصویرگری کتاب کودکان، صمیمیت، شفافیت و تناسب با جهان ذهنی این قشر حساس جامعه است و به‌تحقیق، می‌توان گفت که این صفات، جملگی در تصویرسازی‌های محمدحسین صلواتیان به چشم می‌آیند.

غلامرضا عظیمی: کارتون و کاریکاتور

غلامرضا عظیمی که با نام کوچک بهرام نزد اهالی هنر شناخته می‌شود، متولد ۱۳۴۵ در تهران، دانش‌آموختهٔ رشتهٔ صنایع‌دستی و انیمیشن است. او دربارهٔ نحوهٔ پیوندش با هنر می‌گوید: «دورهٔ متوسطه اتومکانیك خواندم. دبیر ادبیاتی داشتیم که به من می‌گفت نقاشی‌ات خوب است، برو هنر امتحان بده! همان سال یعنی سال ۱۳۶۴ با رتبهٔ ۹ در رشتهٔ نقاشی دانشگاه تهران پذیرفته شدم، اما نتوانستم دیپلم بگیرم.» شاید بسیاری از مخاطبان هنر عظیمی را به‌واسطهٔ فعالیت‌هایش در حوزهٔ انیمیشن به یاد آورند؛ به‌ویژه آنکه او خالق شخصیت‌های تلویزیونی محبوبی چون «سیا ساکتی»، «داوود خطر» و... است و در آغاز دههٔ ۱۳۹۰، نخستین انیمیشن بلند سینمایی ایران را با عنوان «تهران ۱۵۰۰» ساخته؛ اما آن‌گونه که خودش ابراز می‌کند، انتخاب نخستش کارتون و کاریکاتور است و انیمیشن در جایگاه بعدی قرار می‌گیرد. در آثار عظیمی وجوه تعلیمی و تربیتی به‌ویژه در تخاطب با نسل‌های کودک و نوجوان، بسیار پررنگ است و چه‌بسا این خصلت یکی از مؤلفه‌های اصلی آثار این هنرمند است.

شورای سیاست‌گذاری شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر

محمود سالاری
معاون امور هنری
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

محمد خراسانی‌زاده
مدیرکل هنرهای تجسمی
و رییس شورای سیاست‌گذاری

منیژه آرمین
عضو شورای سیاست‌گذاری

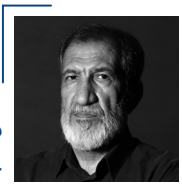

مصطفی گودرزی
عضو شورای سیاست‌گذاری

احمد عبدالرضایی
عضو شورای سیاست‌گذاری

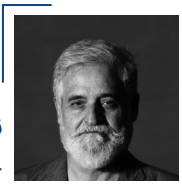

نادر قشقایی
عضو شورای سیاست‌گذاری

لیلا عباسی
عضو شورای سیاست‌گذاری

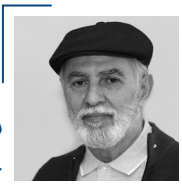

بهمن عبدی
عضو شورای سیاست‌گذاری

امیر عبدالحسینی
عضو شورای سیاست‌گذاری

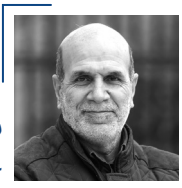

سیدعباس میرهاشمی
عضو شورای سیاست‌گذاری

زهرا رهبرنیا
عضو شورای سیاست‌گذاری

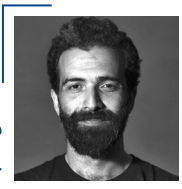

محمدرضا دوست‌محمدی
عضو شورای سیاست‌گذاری

علی فروزانفر
عضو شورای سیاست‌گذاری

مسعود نجابتی
عضو شورای سیاست‌گذاری

دبیران و داوران
شانزدهمین جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر

امیر عبدالحسینی
دبیرکل شانزدهمین جشنواره
هنرهای تجسمی فجر

مسعود زنده‌روح کرمانی
دبیر هنری شانزدهمین جشنواره
هنرهای تجسمی فجر

جعفر واحدی
دبیر اجرایی شانزدهمین جشنواره
هنرهای تجسمی فجر

هاجر سلیمی نمین
دبیر بخش تصویرسازی

مجید ذاکری

منصوره محمدی

حسام الدین طباطبایی

محمد علی قربانی
دبیر بخش خوشنویسی

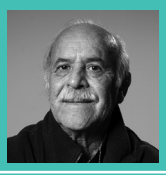

یداله کابلی خوانساری

احمد عبدالرضایی

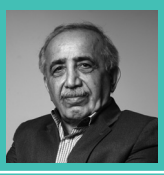

ایرج نعیمایی

رضا بنی‌رضی

علی شیرازی

محمد روح الامین
دبیر بخش طراحی گرافیک

سید حسن موسی‌زاده

مجید زارع

محمدصابر شیخ‌رضایی

کاظم چلیپا
دبیر بخش طراحی و نقاشی

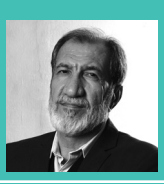

مصطفی گودرزی

علی رسولی

مرتضی اسدی

مهین دخت سالک مهدوی
دبیر بخش نگارگری

اردشیر مجرد تاکستانی

رامین مرآتی

حسین عصمتی

مهران هوشیار
دبیر بخش سرامیک و آبگینه هنری

هانیه نیکخواه

محمدعلی سجادی

حجت اله عسکری الموتی

سعید محمودی ازناوه
دبیر بخش عکاسی

کریم متقی

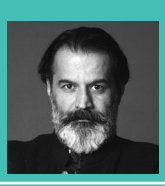

ساتیار امامی

کیارنگ علایی

بهمن عبدی
دبیر و داور بخش کارتون و کاریکاتور

سید مسعود شجاعی طباطبایی

بهرام عظیمی

نادر قشقایی
دبیر بخش مجسمه‌سازی

شیرین حاجی کریملو

نسرین زندی روان

الهام خاکپاش

محمدرضا شریف‌زاده
دبیر بخش رسانه‌های هنری جدید

مجید شاه‌حسینی

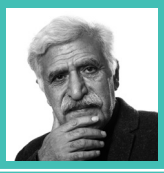

اسماعیل بنی‌اردلان

مینا محمدی وکیل

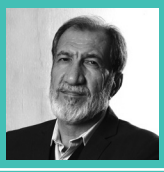

مصطفی گودرزی
دبیر بخش علمی

هادی بابایی

زهرا رهبرنیا

خشایار قاضی‌زاده

محمد زرویی نصرآباد
دبیر بخش طراحی فرهنگ‌محور

مسعود نجابتی

احمد عابدینی

مسعود حسنلو

بهنام زنگی
دبیر بخش ناشران کتاب‌های تجسمی

سمیه رمضان‌ماهی

علی اصغر فهیمی‌فر

علی رمضانی

محمد حمیدی مقدم
دبیر بخش فیلم

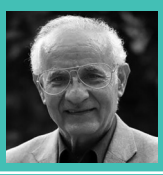

احمد الستی

سید علی میرفتاح

مهرداد اسکویی

شعیب حسینی‌مقدم
دبیر بخش موضوعی (قله‌ها)

محمد حسین نیرومند

سید عباس میرهاشمی

مسعود نجابتی

امیر عبدالحسینی

علی حیاتی

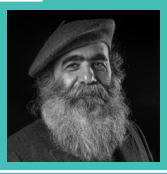

سعید فلاح‌فر
دبیر بخش تجسم هنر (استان ها)

سمیه رمضان‌ماهی

مسعود زنده روح کرمانی

علی فروزانفر

دبیران هنری استان‌ها:

اردبیل: بهرام بابایی ● **اصفهان:** حسین تحویلیان ● **البرز:** سجاد فروغی ● **ایلام:** بهاره الیاسی ● **آذربایجان شرقی:** علی محرمی
آذربایجان غربی : حمید بهجت ● **بوشهر:** سعیده حسنی ● **تهران:** بهداد نجفی ● **جنوب کرمان:** حبیبه شریف
چهارمحال و بختیاری: حبیب نجفی دهکردی ● **خراسان جنوبی:** ابوالفضل حسن پور ● **خراسان رضوی:** میترا ابراهیم زاده
خراسان شمالی: زهره بابایی ● **خوزستان:** امیر عبیداوی ● **زنجان:** نشاط فرخی ● **سمنان:** مهدی پازوکی
سیستان و بلوچستان: حمیده یعقوبی ● **فارس:** سعید کریمی ● **قزوین:** حسن یوسفی ● **قم:** ابراهیم سلیمانی
کردستان: دلنیا محمدی ● **کرمان:** میثم ثمررخی ● **کرمانشاه:** سامان آریان پور ● **کهگیلویه و بویراحمد:** علی اصغر مرعشیان‌جو
گلستان: مرجان باغستانی ● **گیلان:** غلامرضا ژاله ● **لرستان:** شمس هنامی ● **مازندران:** مرتضی منصور سمائی ● **مرکزی:** علیرضا خلیلی
هرمزگان: ابوذر نوروزی‌نژاد ● **همدان:** کریم زارعی ● **یزد:** محمد حسین جعفری نعیمی

ایرج نعیمایی
دبیر بخش کاتبان سوره حمد

سید شهاب‌الدین شکیبا
دبیر بخش دیوارنگاری شهری

بیانیهٔ مشترک هیئت داوران شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر

خوش کرد یاوری فلکت روز داوری
تا شکر چون کنی و چه شکرانه آوری
آن‌کس که اوفتاد و خدایش گرفت دست
گو بر تو باد تا غم افتادگان خوری

هنگامی که از داوری در آثار هنری سخن به میان می‌آید، کلماتی مانند ملاک، معیار، نقد، استدلال، خوانش، برداشت، علاقه و سلیقه در ذهن جاری می‌شود.

اما آن‌چه در مواجهه با آثار هنری قابل توجه می‌نماید، تفسیر و توصیف کنش‌های مستقل و در عین حال وابسته به هم است. مجموعه‌ای از گزینه‌ها که به ساختار اثر هنری اشاره دارد و بر جنبه‌های خلاقانه، نوآورانه و نگاه زیبایی‌شناسانه استوار است.

با این نگرش، داوری در هنر مجموعه‌ای از استدلال‌هاست که در قالب نتیجه‌ای منطقی ارائه می‌شود و بیانگر دلایلی بر ارزشمندی اثر است.

شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر فرصتی برای داوران فراهم آورد تا دستاوردهای هنرهای تجسمی معاصر را به نقد و نظاره بنشینند و بهترین‌ها را برای نمایشگاه و برترین‌ها را برای طوبای زرین انتخاب کنند.

کمیت و فراوانی آثار رسیده به جشنواره شانزدهم در کنار کیفیت هنری و ارزش‌های بصری و مضمونی آن، مسیر دشواری در این فرایند به شمار می‌رفت.

در این میان رویکرد جشنواره شانزدهم در تأکید بر «هنر نوآور، خلاق، وحدت‌بخش و امیدآفرین» راه‌گشای داوران بخش‌های مختلف جشنواره شد و کلیدهای ارزیابی را عیان نمود.

از سوی دیگر بهره‌مندی از حضور جامعه دانشگاهی در کنار جامعه حرفه‌ای هنر در ترکیب هیأت داوران، بر گفت‌وگوی دانش و تجربه و ضرورت هم‌افزایی نگرش علمی با اندیشه عملی اشاره داشت.

اهمیت آموزش‌های هنری به ویژه در شیوه‌های زبانی و بیانی معاصر و نگاه نوین به هنر تجسمی به مثابه رسانه اثرگذار فرهنگی و اجتماعی، از دیگر مواردی بود که در این فرایند مورد توجه قرار گرفت.

هیأت داوران شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر ضمن قدردانی از تمام شرکت‌کنندگان جشنواره، تبریک صمیمانه خود را به جامعه هنرهای تجسمی ایران تقدیم می‌کند که چکیده‌ای از دریای هنر را به زیبایی و شایستگی در این رویداد ارائه کرده است.

با مهر و احترام به تمام هنرمندان
هیئت داوران
شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر

شب روشن شانزدهمین جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر؛ طوبای زرین به برگزیدگان رسید

آیین اختتامیه، تجلیل از مفاخر و تقدیر از برگزیدگان شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تالار وحدت برگزار شد.

به گزارش ستاد خبری شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر، آیین اختتامیه، تجلیل از مفاخر و تقدیر از برگزیدگان فجر شانزدهم، شامگاه پنجشنبه سوم اسفند ۱۴۰۲ با حضور محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سید محمد هاشمی جانشین وزیر، سیدمحمود اسلامی معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ، محمود سالاری معاون امور هنری، سیدمجید امامیان دبیر شورای فرهنگ عمومی، محمد خراسانی‌زاده مدیرکل هنرهای تجسمی، امیر عبدالحسینی دبیرکل فجر شانزدهم، مسعود زنده‌روح کرمانی دبیر هنری، جعفر واحدی دبیر اجرایی و خیل انبوهی از هنرمندان و هنردوستان در تالار وحدت برگزار شد.

در این مراسم، رضا بانگیز هنرمند رشته نقاشی، محمد مهدی روحانی مشهدی هنرمند رشته طراحی گرافیک، افشین شاهرودی هنرمند رشته عکاسی، مهدی حیدری هنرمند رشته سرامیک هنری، محمدحسین صلواتیان هنرمند رشته تصویرسازی، بهرام عظیمی هنرمند رشته کارتون و کاریکاتور و منصور تام‌سن هنرمند رشته نگارگری به عنوان مفاخر هنرهای تجسمی کشور معرفی شدند و با اهدای نشان مفاخر هنرهای تجسمی از سوی وزیر فرهنگ، تندیس طوبای زرین و لوح تقدیر، از سال‌ها تلاش و کوشش هنری این هفت استاد برجسته تقدیر به عمل آمد.

Fajr
Visual Arts Festival
2024
۱۴۰۲
طوبای زرین
برگزیده بخش طراحی گرافیک
رسول حق‌جو

برگزیدگان
و تقدیرشدگان

شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر

بخش طراحی و نقاشی

○ نامزدها

۱- مجتبی حجازی از تهران
۲- امیر محمد مقدم از تهران
۳- مریم(اسرا) گل محمدی از کرج
۴-عبدالرسول حکیم از کازرون
۵-سید کمال الدین رفیعی از تهران
۶-محمد جواد طاهر خانی از تهران
۷-عاطفه قاسمی از شمیرانات

○ تقدیرشدگان

۱-امیر محمد مقدم از تهران
۲-مجتبی حجازی از تهران

● برگزیده

محمدجواد طاهرخانی از تهران

بخش طراحی گرافیک

نامزدها

۱-رسول حق جو از اهواز
۲-بهروز شریفی از کوهدشت
۳-حامد مغروری از اصفهان
۴-سید جواد مظفری از مشهد
۵-محمد حسین مجید پور از تهران

○ تقدیرشدگان

حامد مغروری از اصفهان

● برگزیده

رسول حق جو از اهواز

بخش تصویرسازی

نامزدها

۱-زهرا خاکی از تهران
۲-نوشین صفاخو از کرج
۳-صدیقه قائد امینی هارونی ازمبارکه
۴-مهدیه قاسمی ازتهران
۵-سمیه محمدی از کرج

○ تقدیرشدگان

سمیه محمدی از کرج

● برگزیده

صدیقه قائد امینی هارونی از مبارکه

بخش عکاسی

○ نامزدها

۱-فرشید احمد پور از تبریز
۲-مریم ابوالحسینی پور اشگذر ازشاهرود
۳-کیومرث خوش صفت از بندر انزلی
۴-محمد رضایی از ساری
۵-صمد قربان زاده از ارومیه

○ تقدیرشدگان

کیومرث خوش صفت از بندر انزلی

● برگزیده

محمد رضایی از ساری

بخش خوشنویسی

○ نامزدها

۱-حمید احمدی از تهران
۲-حامد فقیهی از قم
۳-فرامرز تیمورنژاد از نقده
۴-صفرنورزاد از تهران
۵-مجید داستانی از قم
۶-افشین نجف بهزاد از تبریز
۷-شقایق میری از تهران
۸-سعید رضایی از قدس
۹-ربابه زینالی از قم

۱۰-حمیدرضا جندقی از کرج

○ تقدیرشدگان

۱-فرامرز تیمورنژاد از نقده
۲-حمید احمدی از تهران
۳-ربابه زینالی از قم
۴-شقایق میری از تهران

● برگزیده

مجید داستانی از قم

بخش نگارگری

○ نامزدها

۱-نسیم(نسیبه) تقی زاده از کرمان
۲-حسین حبیبی از تهران
۳-زینب رهنما از تهران
۴-احمد سرائیان از اصفهان
۵-سمیه شهریور از تهران
۶-محسن طهماسبی راد از کرج
۷-ستاره قنبری از قزوین
۸-محمد کیانی از اصفهان
۹-فاطمه هندی از تهران

○ تقدیرشدگان

۱-احمد سرائیان از اصفهان
۲-سمیه شهریور از تهران
۳-محمد کیانی از اصفهان

● برگزیده

ستاره قنبری از قزوین

بخش کارتون و کاریکاتور

○ نامزدها

۱-هیبت احمدی از کرج
۲-حسام پاشایی از تهران
۳-علیرضا پاکدل قوشخانه از مشهد
۴-رضا حمیدی مطلق از سمنان
۵-علیرضا ذاکری از تهران

○ تقدیرشدگان

علیرضا پاکدل قوشخانه از مشهد

● برگزیده

علیرضا ذاکری از تهران

بخش مجسمه سازی

○ نامزدها

۱-محمد جواد بهرامی از تهران
۲-الناز موسی خانی از تهران
۳-حسین حسنشاهی از تهران

● برگزیده

حسین حسنشاهی از تهران

بخش سرامیک و آبگینه هنری

○ نامزدها

۱-فاطمه پور یوسفی از تهران
۲-علی جمالی از اصفهان
۳-مریم حبیبی از تهران
۴-سید علیرضا گلکار تهرانی(هنرمند)
و بشیر مرادی (استاد کار) از تهران
۵-زهرا یوسفی از کرج

○ تقدیرشدگان

زهرا یوسفی از کرج

● برگزیده

فاطمه پوریوسفی از تهران

بخش رسانه های هنری جدید

○ نامزدها

۱-سارا جهانگیری از تهران
۲-امین محمدی چری از تهران
۳-مریم صفائی و محمد امین اوجی از بوشهر
۴-غلامرضا سماوی از سمنان
۵-ریحانه کفشچیان مقدم از تهران
۶-سید محمد میر نورالهی از کرج

○ تقدیرشدگان

۱-سارا جهانگیری از تهران
۲-سید محمد میر نورالهی از کرج

● برگزیده

امین محمدی چری از تهران

بخش موضوعی (قله‌ها)

○ نامزدها

۱-مهدی ایمانی از اهر
۲-امیر حسین انصاری از
۳-محمود بازدار از مشهد
۴-وهب رامزی از تهران
۵-طاهره شمسی از قم
۶-کامیار صادقی از
۷-مهدیه قاسمی از تهران
۸-مریم کمار از تهران
۹-حامد مرتضوی علوی از بجنورد
۱۰-اکرم سادات میرتوانا از مشهد

○ تقدیرشدگان

۱-طاهره شمسی از قم
۲-کامیار صادقی از تهران
۳-محمود بازدار از مشهد
۴-حامد مرتضوی علوی از بجنورد
۵-اکرم سادات میرتوانا از مشهد

● برگزیده

مریم کمار از تهران

بخش تجسم هنر

○ نامزدها

۱-سعید کریمی (دبیر هنری) ازفارس
۲-پوریا جلالی (مدیر کل) ازکرمانشاه
۳- میثم ثمررخی (دبیر هنری) ازاستان کرمان
۴-محسن روحی (مدیر کل) از کرمان
۵-حمیدرضا قانعی (مدیر کل) از فارس
۶- سامان آریان پور (دبیر هنری) از کرمانشاه

● برگزیده

۱- سعید کریمی (دبیر هنری) ازفارس
۲- پوریا جلالی (مدیر کل) ازکرمانشاه

بخش طراحی فرهنگ محور

○ نامزدها

۱- سید هادی امامی و همکار فاطمه حامدی از اصفهان
۲-محمود آراسته از تهران
۳-حسین جهانبخش از تهران
۴-محمدرضا چیت ساز از تهران
۵-سید محمد حسین غضنفری از تهران
۶-مهدیه قاسمی از تهران

● برگزیده

سید هادی امامی و همکار فاطمه حامدی از اصفهان

بخش فیلم‌های مستند هنرهای تجسمی

○ نامزدها

۱-آبتین شمیلی از شیراز
۲-مریم فرهمند از شیراز
۳-هادی آفریده از تهران
۴-علی ارکیان از رشت

○ **تقدیرگان**

هادی آفریده از تهران

● **برگزیده**

آبتین شمیلی از شیراز

بخش ناشران کتاب‌های تجسمی

○ **نامزدها**

۱-انتشارات یساولی

۲-انتشارات کتاب آبان

۳-انتشارات کتاب پرگار

● **برگزیده**

انتشارات کتاب آبان

بخش علمی (دانش هنرهای تجسمی)

○ **نامزدها**

۱-ساناز باحجب قدسی از تهران

۲-مهدی بخشی پور مقدم از تهران

۳-فاطمه پاکنژاد از دزفول

۴-پوریا طهماسبی از تهران

۵-علیرضا کریمی از کرج

۶-زینب کریمی بابا احمدی از تهران

۷-ساجده سادات موسوی از اصفهان

○ **تقدیرشدگان**

۱-ساناز باحجب قدسی از تهران

۲-فاطمه پاک نژاد از درفول

۳-علیرضا کریمی از کرج

● **برگزیده**

پوریا طهماسبی از تهران

بخش طوبای زرین بهترین اثر از نگاه مخاطب

رای پنجم محسن کابلی

رای چهارم ریحانه کفشچیان مقدم

رای سوم محمدامین اوجی و مریم صفائی

رای دوم امیرحسین میرابی مقدم

● **رای اول**

سید کمال الدین رفیعی

بخش تقدیر از خبرنگار فعال حوزه تجسمی

○ **تقدیر**

نعیمه صفری تبار / خبرگزاری فارس

بخش جوایز سازمان‌ها

جایزه اهدایی توسط

معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

○ **تقدیر**

۱-علیرضا پور اکبری از تهران

۲-موسسه فرهنگی هنری نام و هنر از تهران

● **برگزیده**

فاطمه عابدینی از تهران

عبدالحمید قدیریان از تهران

○ **خرید اثر از سوی سازمان زیباسازی شهر تهران**

۱-آرش نیک نژاد از اهواز

۲-سمیه صادقی پری از ملایر

۳-سید محمدرضا موسوی اوندین از قم

○ **جایزه اهدایی توسط**

انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس

سید علی میرفتاح از تهران

برگزیده/ طراحی و نقاشی: محمد جواد طاهرخانی

برگزیده/ تصویرسازی: صدیقه قائد امینی هارونی

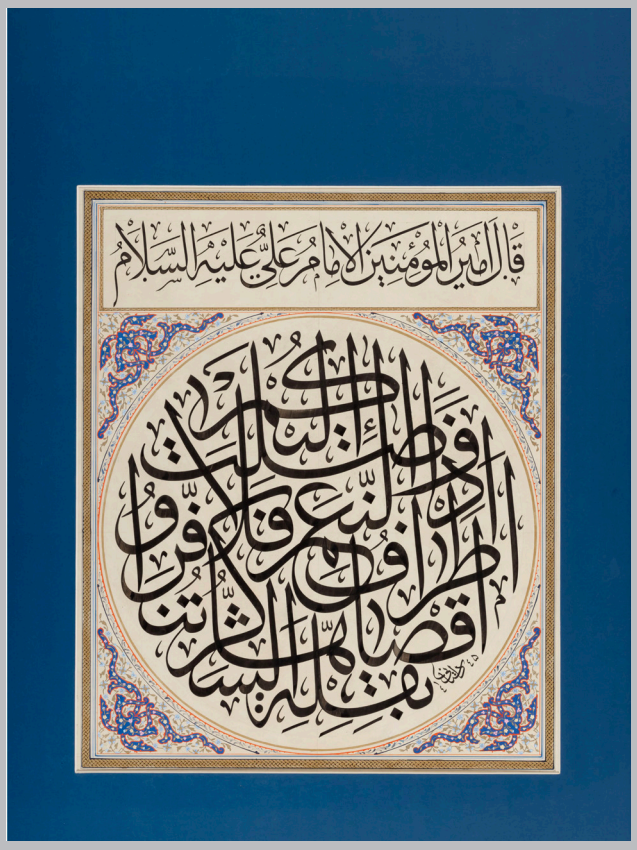

برگزیده/ خوشنویسی / ثلث: مجید داستانی

برگزیده/ کارتون و کاریکاتور: علیرضا ذاکری

برگزیده/ سرامیک و آبگینه هنری: فاطمه پور یوسفی

برگزیده/ نگارگری: ستاره قنبری

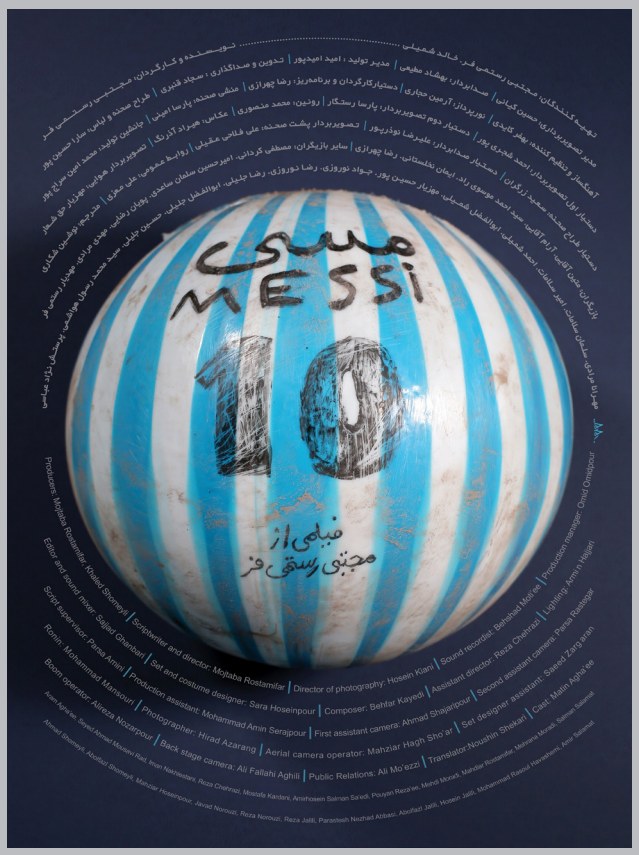

برگزیده/ طراحی‌گرافیک: رسول حق‌جو

برگزیده/ عکاسی: محمد رضایی

برگزیده/ مجسمه‌سازی: حسین حسنشاهی

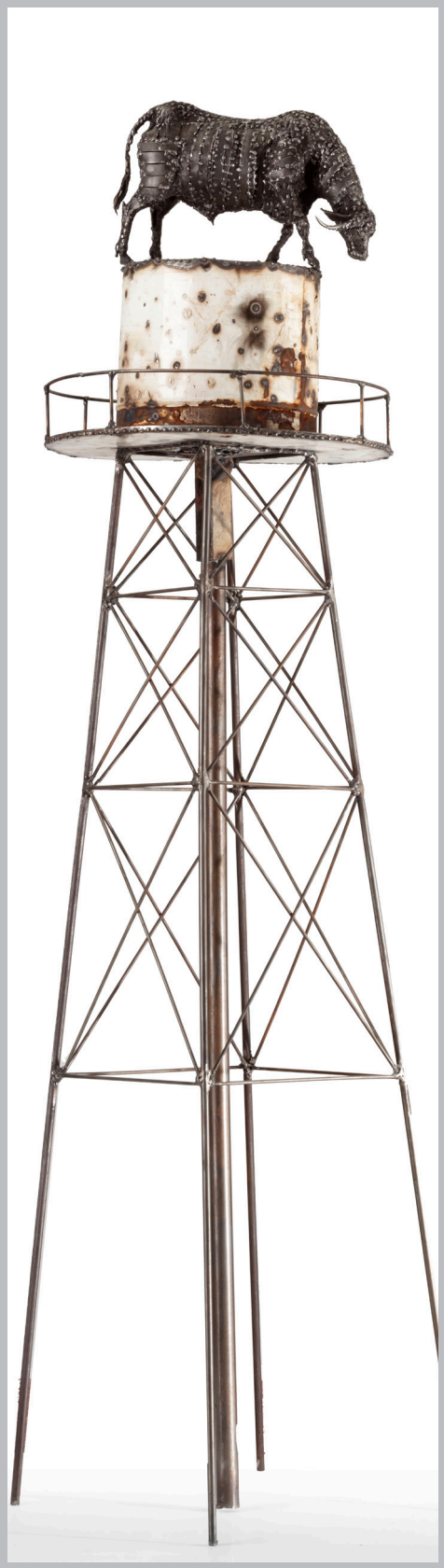

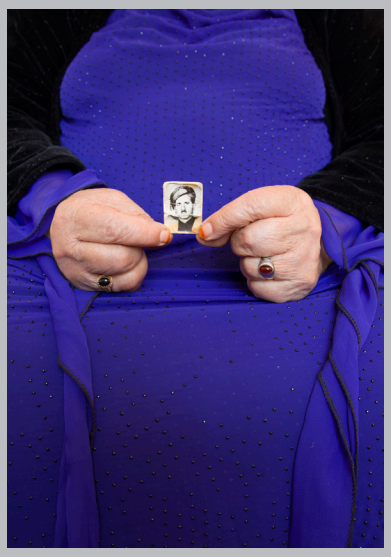

برگزیده/ بخش قله‌ها:
مریم کمار / عکس

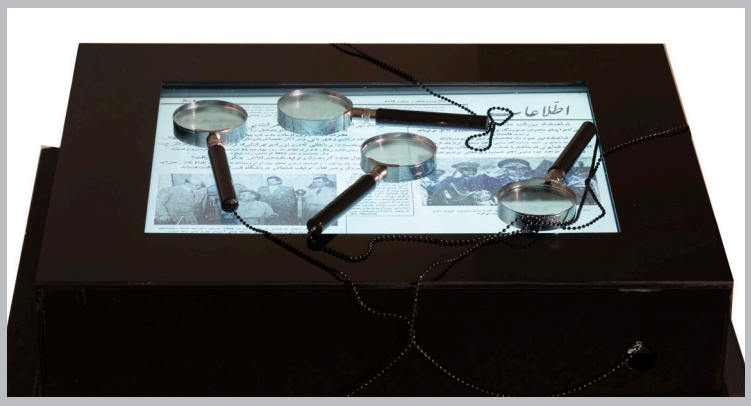

برگزیده/ رسانه‌های هنری جدید: امین محمدی چری

برگزیده/ طراحی فرهنگ محور:
سید هادی امامی
و فاطمه حامدی

برگزیده
بهترین اثر از نگاه مخاطب
سید کمال الدین رفیعی

جایزه اهدایی توسط معاونت امور زنان
و خانواده ریاست جمهوری
علیرضا پور اکبری (تقدیر)

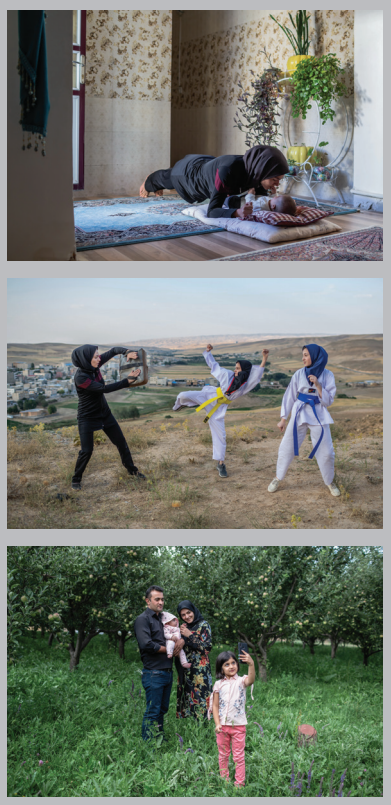

جایزه اهدایی توسط معاونت امور زنان
و خانواده ریاست جمهوری
فاطمه عابدینی (برگزیده)

جایزه اهدایی توسط معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری
موسسه فرهنگی هنری نام و هنر (تقدیر)

جایزه اهدایی توسط معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری
عبدالحمید قدیریان (برگزیده)

جایزه اهدایی توسط انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس
سید علی میرفتاح

خرید اثر از سوی سازمان زیباسازی شهر تهران
سمیه صادقی پری

خرید اثر از سوی سازمان زیباسازی شهر تهران
آرش نیک نژاد

خرید اثر از سوی سازمان زیباسازی شهر تهران
سید محمدرضا موسوی اوندین

جشنواره تجسمی هنرهای فجر
16th Fajr
Arts Festival
۱۴۰۲

16th Fajr
Arts Festival
۱۴۰۲

16th Fajr
Arts Festival
۱۴۰۲

16th Fajr
Arts Festival
۱۴۰۲

16th Fajr
Arts Festival
۱۴۰۲

16th Fajr
۱۴۰۲

16th Fajr
۱۴۰۲

16th Fajr
Arts Festival
۱۴۰۲

شانزدهمین جشنواره تجسمی هنرهای فجر
16th Fajr
Arts Festival
۱۴۰۲

شانزدهمین جشنواره تجسمی هنرهای فجر
16th Fajr
ts Festival
۱۴۰۲

16th Fajr
rts Festival
۱۴۰۲

شانزدهمین جشنواره تجسمی هنرهای فجر
16th Fajr
l Arts Festival
۱۴۰۲

16th Fajr
Festival
۱۴۰۲

16th Fajr
l Arts Festival
۱۴۰۲

16th Fajr
al Arts Festival
۱۴۰۲

16th Fajr
rts Festival
۱۴۰۲

فاطمه شهدوست / روزنامه‌نگار

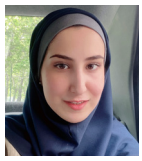

گام‌به‌گام با یک رویداد شانزده‌ساله

جشنواره‌ای که آهسته و پیوسته به‌سمت بلوغ حرکت می‌کند

هنرهای تجسمی، این ترکیب دوکلمه‌ای ساده، عنوان دنیایی را به خودش اختصاص داده که وسعتی بی‌اندازه و پرطمطراق دارد؛ جهانی که خیلی وقت‌ها مغفول واقع شده و در سکوت با هنرمندان و تمام هنرهایی که ذیل آن هستند به کارش، یعنی خلق معنای تازه‌ای از جهان و انعکاس آن در قالب نقش، رنگ، تصویر، حجم و هرآنچه که فکرش را بکنید، ادامه داده است.

در میان تمامی رویدادهای بزرگ و کوچک عرصهٔ تجسمی، تنها گعده‌ای که هرسال به‌صورت رسمی و با برنامه‌ریزی سراغ هنرمندان و هنرهای خوش‌بیان این عرصه می‌رود و همه را در یک قاب دور هم جمع می‌کند، «جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر» است؛ رویدادی که امسال شانزدهمین دوره‌اش برگزار شد. در واقع، می‌توانیم بگوییم جشنوارهٔ تجسمی فجر به‌عنوان تنها رویداد رسمی و ملی در حوزه هنرهای تجسمی، نقشی کلیدی در گرد هم آوردن هنرمندان، عرضهٔ آثار فاخر و ارتقای سطح کیفی این عرصه ایفا می‌کند. این جشنواره فرصتی مغتنم برای تبادل‌نظر و تجارب میان هنرمندان و معرفی هنر ایران به جامعهٔ جهانی است. رخدادی که از زمان آغازش تا امروز فرازونشیب‌های متعددی را پشت‌سر گذاشته و همواره در تلاش بوده تا با اتکا به تجارب گذشته و در نظر گرفتن نیازهای روز جامعهٔ هنری، به پویایی و بالندگی هنر تجسمی ایران کمک کند.

اولین دورهٔ جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر در سال ۱۳۸۷ با موضوع «امید به زندگی» به‌دبیری غلامعلی طاهری در پنج رشتهٔ هنری نقاشی، گرافیک، عکاسی، کاریکاتور و مجسمه‌سازی در تهران برگزار شد. دومین دوره به‌دبیری سیدعباس میرهاشمی در سال ۱۳۸۸ با موضوع آزاد و در رشتهٔ عکاسی با موضوع «آداب و رسوم و فرهنگ اقوام ایرانی» برگزار شد. سپس، در سال ۱۳۸۹ نوبت به برگزاری دورهٔ سوم جشنواره با موضوع آزاد رسید. در این دوره از جشنواره با افزایش شمار رشته‌ها مواجه بودیم و شاخه‌ای چون هنرهای جدید، موردتأکید واقع شده بود.

روند افزایش بخش‌ها و به‌روزرسانی جشنواره در چهارمین

دورهٔ فجر تجسمی با ورود بخش‌هایی نظیر همایش و مقالات ادامه پیدا کرد؛ اتفاقی که باعث شد برگزارکنندگان هر دوره بیش از پیش به فکر گسترش رشته‌های حاضر در جشنواره بیفتند.

در میان چالش‌های مختلفی که جشنواره در هر دوره به شکلی با آن روبه‌رو بوده، اختصاص موضوعی مشخص به این رویداد هنری در زمرهٔ پربحث‌ترین مواردی بود که هر سال نگاه‌ها را به خودش جلب می‌کرد؛ تاجایی‌که پنجمین دوره از جشنواره در سال ۱۳۹۱ با موضوع «عدالت» برگزار و بخش آزاد به‌کلی از این رویداد حذف شد. سیدعباس میرهاشمی در این دوره دبیرکلی جشنواره را برعهده داشت و ارسال مقالات علمی در کنار فیلم‌های مستند تجسمی در دوره پنجم نیز موردتأکید بود.

بااین‌حال، حذف بخش آزاد با انتقادات زیادی همراه بود و موجب شد که ششمین دورهٔ جشنواره در کنار موضوعی بودن، با در نظر گرفتن بخش آزاد برگزار شود؛ جریانی که با همین سبک‌وسیاق ادامه پیدا کرد. البته، چالش‌های این رویداد هنری تنها به انتخاب موضوع برنمی‌گردد. چه اینکه در دورهٔ هفتم، حذف بخش رقابتی از جشنواره باز هم با نقد و نظرات بسیاری همراه شد؛ زیرا در این دوره به‌دبیرکلی مجتبی آقایی، تنها هنرمندان مدعو در جشنواره شرکت کردند و کتاب جشنواره هم با بخش‌بندی جداگانه در رشته‌های مختلف و نه به‌صورت جامع منتشر شد.

در ادامه، ساختار جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر نه به‌طور کامل، بلکه تا حدی به ثبات رسید. تاجایی‌که دوره‌های هشتم تا پانزدهم با موضوع آزاد و در نظر گرفتن بخش رقابتی در کنار سایر بخش‌ها برگزار شدند. اضافه شدن بخش رسانه‌های هنری جدید (شامل سه رسانهٔ ویدئوآرت، پرفورمنس‌آرت و چیدمان) هم از دیگر اتفاقاتی بود که از دورهٔ دهم به‌بعد رخ داد و موجب توسعهٔ این رویداد شد.

و اما شانزدهمین جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر با رویکرد هنر نوآور، خلاق، وحدت‌بخش و امیدآفرین شکل گرفت. در این دوره، بخش رقابتی آزاد شامل دَه رشتهٔ طراحی و نقاشی، طراحی گرافیک، عکاسی، خوشنویسی، نگارگری، کارتون و کاریکاتور، تصویرسازی، مجسمه‌سازی، سرامیک و آبگینهٔ هنری و رسانه‌های هنری جدید بود. رشته‌هایی که برخی از آن‌ها مانند خوشنویسی، نگارگری، کارتون و کاریکاتور و رسانه‌های هنری جدید، شاخه‌های خردتری را هم در بر می‌گیرند.

بخش موضوعی فجر شانزدهم که ذیل بخش‌های رقابتی جشنواره تعریف می‌شد، «قله‌ها» نام داشت که خود، پنج قلهٔ متنوع را در بر می‌گرفت. برگزاری نمایشگاهی از آثار منتخب هنرمندان بومی استان‌های مختلف هم ازجمله اتفاقات مهمی بود که به‌سیاق سال گذشته، در بخش «تجسم هنر» رخ داد. بدین ترتیب، با انتخاب یک دبیر هنری در هر استان آثار منتخب هنرمندان استان گردآوری و در قالب یک نمایشگاه در معرض دید عموم مخاطبان قرار گرفت.

از اتفاقات تازهٔ این دوره از جشنواره باید به افزوده شدن بخش «طراحی فرهنگ‌محور» اشاره کرد که شامل چند زیربخش مانند طراحی محصول، طراحی معماری، طراحی صنعتی و طراحی کاربردی است. بخشی که اگر تنها به یک عنوان ختم نشود، به‌طور حتم می‌تواند به شناسایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های خلاقانه و نوآورانه طراحان کمک کند و به حلقهٔ اتصالی میان جامعهٔ طراحان معاصر و جشنواره هنرهای تجسمی فجر بدل شود. به‌ویژه آنکه در این بخش، حمایت از تولید طرح‌های برگزیده براساس شرایط و قواعد مشخص در دستورکار قرار دارد و این مهم می‌تواند گام شایانی در راستای کاربردی‌سازی و بازارپردازی هنرهای تجسمی به شمار آید.

امسال برای نخستین بار، کتاب و نشر هم جایگاه ویژه‌ای را در جشنواره به خود اختصاص دادند. بخش ناشران کتاب‌های تجسمی در کنار بخش علمی یا دانش هنرهای تجسمی، دو عنوانی بودند که تفکیک آن‌ها از یکدیگر سیاستی سودمند و اثرگذار محسوب و موجب شد تا به‌شکل منسجم‌تری، به آثار و پژوهش‌های مکتوب این حوزه نگریسته و پرداخته شود.

بخش فیلم‌های مستند هنرهای تجسمی هم که پس‌از چند دوره غیبت، بار دیگر مهمان جشنواره شدند، گام مهم دیگری بود که پازل تازه‌های شانزدهمین جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر را تکمیل کرد. برپایی این بخش با رویکردی بینارشته‌ای در موزهٔ هنرهای معاصر تهران موجب استقبال مضاعف مخاطبان از جشنواره و به پلی برای اتصال سینما و هنرهای تجسمی بدل شد.

القصه اینکه تغییر و تحولات سنجیده و اندیشیده به‌حتم می‌تواند زمینه‌ساز پویایی رویدادهای هنر شود و در شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر به‌رغم تمامی چالش‌ها و محدودیت‌ها، در حد توان تلاش شد به‌جای تکرار تجربه‌های پیشین، مسیر تازه‌ای طراحی شود. اتفاقی که نباید به دورهٔ شانزدهم محدود باشد و ضروری است که در دوره‌های آتی نیز مبنای عمل دست‌اندرکاران قرار گیرد.

شانزدهمین جشنواره تجسمی هنرهای تجسمی فجر
16th Fajr
Visual Arts Festival
طوبای زرین | قلّه ها | تجسم هنر
طراحی و نقاشی | طراحی گرافیک | تصویرسازی | عکاسی | خوشنویسی | نگارگر
کارتون و کاریکاتور | مجسمه‌سازی | سرامیک و آبگینه هنری | رسانه‌های هنری جد

IFair
Visual Arts Festival

نگاهی اجمالی به شانزدهمین جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر

سایه‌روشن‌های یک اَبَر جشنواره

پرویز براتی/ منتقد هنری

از لابه‌لای بازتاب تیرگی‌ها و دلمردگی‌های پیرامون، تلاطم نقش و طرح و آرایه و رنگ و حجم، منظره‌هایی را در ذهن و نه در دیدگان ترتیب می‌دهد که از عناصر بسیار ساده و خلاصه‌شده‌ای ترکیب یافته‌اند. قطع‌های بزرگ برخی کارها در همراهیِ نور، فرصت و مجالی مناسب برای حرکت چشم و دنبال‌کردن ضرباهنگ‌های گوناگون و متفاوت را رقم می‌زند. فارغ از هیاهو و سیطرهٔ رسانه‌ای جشنوارهٔ فیلم فجر بر دیگر جشنواره‌ها و در پی پایان یافتن این جشنواره و جشنوارهٔ موسیقی فجر، حال می‌توان از رویدادی نام برد که چند صباحی است از غربت بیرون آمده و طنین را به سایر شیوه‌های تخاطب، ترجیح داده است: جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر.

جشنوارهٔ شانزدهم تجسمی فجر را می‌توان مجموعهٔ رکوردها به حساب آورد: رویدادی متشکل از یک دبیرکل، ۲۲ دبیر ملی، ۶۰ داور ملی و ۳۲ دبیر هنری استانی! ۱۰۰۷۶ اثر از ۳۴۲۹ هنرمند در تمامی بخش‌ها و ۸۵۹۷ اثر در بخش استانی جشنواره به رقابت پرداختند. در مجموع، بیش از ۱۸هزار اثر به این اَبَرجشنواره ارسال شدند. این گستره، وسعت کار و حجم

فعالیت به‌گواه اعضای دبیرخانه، دست‌کم سه‌برابر حجم کار دوره‌های گذشته است؛ ضمن اینکه شرکت در بخش غیررقابتی هم درخورتوجه بوده است. مجموعهٔ فرهنگی‌هنری صبا ۷۷۱ اثر از ۵۱۷ هنرمند را در بخش‌های رقابتی آزاد، قله‌ها، طراحی فرهنگ‌محور و بازار هنر از دهم بهمن تا هشتم اسفند روی دیوار خواهد داشت که ترکیبی از هفده بخش جشنواره است. درنتیجه، آثار هنریِ بیش از هزار هنرمند به نمایش گذاشته شد.

شانزده عدد کوچکی برای شمارش سال‌های عمر یک انسان است؛ اما کاربرد آن برای شمارش دوره‌های یک جشنواره، می‌تواند اندکی حسّ‌وحال گذر از جوانی و روی آوردن به دوران کمال و پختگی را تداعی کند. نگاهی اجمالی به دورهٔ شانزدهم جشنوارهٔ تجسمی فجر، بیانگر آن است که تلاش شده ساحت و مساحتی جدید برای هنرمندان فعال در عرصهٔ هنرهای تجسمی گشوده شود. این مسئله را می‌توان از طریق نشانه‌هایی چند که خود را در دل جشنواره نشان می‌دهد دریافت؛ ازجمله حاکمیت رویکرد بینارشته‌ای و توجه بیشتر به هنرهای مفهومی و مدیاهای جدید از جمله آثار چیدمان و ویدئوآرت؛ تمرکز بر اقتصاد هنرهای تجسمی، بخش طراحی فرهنگ محور و ابعاد کاربردی هنرهای تجسمی. همهٔ این‌ها گامی تازه در جهت تثبیت این روند و سیاست تازهٔ جشنواره تلقی می‌شود.

آثار عرضه‌شده در این رویداد، ادامهٔ منطقی آثار هنری جوانان این سرزمین است. البته که حرفه‌ای‌ها هم در این رویداد حضوری ولو کمرنگ داشتند. در نگاهی سراسربین به آثار عرضه‌شده در نمایشگاه تجسمی فجر شانزدهم، هرچند شاهد بارقه‌هایی از اراده‌هایی بودیم که فرداها را شکل می‌دهند، تصور بر این است که ما هنرمندان بسیاری داریم که می‌توانست آثارشان در این نمایشگاه و این جشنواره حضور داشته باشد و نداشت. دلایل این غیبت متعدد است؛ ازجمله ناخوش‌احوالی بخش‌هایی از جامعهٔ هنری و انجمن‌های تخصصی که خود حاصل تأثیر مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

در جشنوارهٔ شانزدهم، تمرکز بر برخی بخش‌ها بیش از سایرین بود؛ مثلاً تعداد آثار نگارگری در بخش «گل و مرغ» اندک بود؛ درحالی‌که آثار بخش خوشنویسی و تذهیب، بیشتر. و البته در بخش خوشنویسی و تذهیب آثار ارزنده و متفاوتی عرضه شد. ورودی نمایشگاهی که در مجموعهٔ فرهنگی‌هنری صبا برپا شده، با بخش «بازار هنر» آغاز می‌شود. مخاطبان این بخش اغلب دانشجویان و هنرمندان جوانی بودند که به آثار هنرمندان شناخته‌شده‌ای همچون صادق تبریزی، نصرالله افجه‌ای، ناصر اویسی، محمدعلی ترقی‌جاه، جلال شباهنگی، منوچهر نیازی، هادی روشن‌ضمیر و ... چشم دوخته بودند. با گذر از پله‌ها و وارد شدن به بخش «طوبای زرین»، با آثاری روبه‌رو شدیم که دارای جزئیات بیشتری بودند و همین، زمان بازدید از این بخش را بیشتر می‌کرد. یکی از نقاط قوت در چیدمان آثار نمایشگاه، نورپردازی آن بود و به نظر می‌رسد ارتباطی عمیق میان مخاطبان این نمایشگاه و نورپردازی شکل گرفته است. آثاری که در خلق آن از نور بهره برده شده یا برای رساندن معنا و مفهوم آن از تابش نور کمک گرفته شده، در جذب مخاطبان این نمایشگاه موفق بودند. این آثار در بخش رسانه‌های جدید نمایشگاه اعم از ویدئوآرت و چیدمان دیده می‌شد.

اما جشنوارهٔ تجسمی فجر در حالی جشن شانزده‌سالگی خود را پشت سر گذاشت که از عمر نهاد جشنواره در ایران نزدیک به هفتاد سال می‌گذرد. اینک در شرایط عدم برپایی منظم دوسالانه‌ها و آرت‌فرها، وظیفهٔ شناسایی و حضور جوانانِ مستعد و استعدادهای نوظهور در عرصهٔ هنر، می‌تواند از راه برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌هایی از نوع تجسمی فجر حاصل شود. جشنواره‌ای از نوع تجسمی فجر با کنار هم قرار دادن آثار جوانان می‌تواند به خلق فضای رقابتی کمک کند؛ ضمن آنکه چنین رویدادی می‌تواند برآیند سالانهٔ نگاه، تکنیک و تفکر جوانان باشد؛ بدین منظور که سیاست‌گذاران فرهنگی دریابند دید و تفکر و بینش جوانان ما کجاست و چه اتفاقی در هنر معاصر ایران در حال وقوع است. همچنان‌که برگزاری نمایشگاه‌های انفرادی تأثیرگذار است و نمایشگاه‌های گروهی کوچک در گالری‌ها نیز محاسن خود را دارد، برپایی نمایشگاه‌های گروهی بزرگ همچون نمایشگاه جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر، ازنظر شناخت دنیای ذهنی جوانان و پیشرفت آنان در هنرهای تجسمی بسیار حائزاهمیت است و به ما این امکان را می‌دهد که به‌طور ویژه جوانان و تفکرات آن‌ها را در این حوزه شناسایی کنیم.

در برگزاری این گونه نمایشگاه‌ها ممکن است برخی جوانان دلسرد شوند از اینکه چرا آثارشان به نمایشگاه راه پیدا نکرده است. بهتر است این جوان‌ها بدون توجه به بردوباخت‌ها، همواره به فکر استمرار در فعالیت هنری (خلق و ارائه) همراه با اندیشه‌ورزی باشند. اگر ما به‌اندازهٔ تمامی شهر تهران هم دیوار داشته باشیم، بازهم فضای کافی برای نمایش آثار همهٔ هنرمندان و جوانان موفق نخواهیم داشت؛ حتی در اَبَرجشنواره‌ای نظیر تجسمی فجر.

اما و اگرهای حضور هنرهای سنتی در جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر

ما و ثروت‌های هنری بومی؛ هم سنت، هم مدرنیته

سمیه رمضان‌ماهی
عضو هیئت‌علمی دانشگاه سوره

نخستین دورهٔ جشنوارهٔ فجر در بخش تجسمی در بهمن‌ماه سال ۱۳۸۷ برگزار شد و تابه‌امروز شانزده دورهٔ پیاپی را پشت سر گذاشته است. شاید بتوان گفت پس‌از پیروزی انقلاب اسلامی و در طول ۴۵ سال گذشته، تنها جشنوارهٔ فجر است که در بخش تجسمی به‌صورتی متوالی و در زمانی مشخص تداوم داشته است. هرچند در این دوران بینال‌ها و نمایشگاه‌های

گوناگون و بسیاری در کشور برگزار شده، شاید بتوان گفت تداوم وجهی است که فجر را به رخدادی ملی تبدیل می‌کند. داشتن بنیان ثابت و حمایت‌های بالادستی ازجمله تخصیص بودجه، از دیگر مزایای این جشنواره است که به‌واسطهٔ مشارکت تمامی استان‌های کشور، به آن وجهی ملی به‌معنای واقعی می‌بخشد. از دورهٔ هشتم، یعنی فجر سال ۱۳۹۴، سیاست کلی در انتخاب آثار تغییری ظریف کرد و آن این بود که برخلاف ادوار پیش که آثار به‌صورت تفکیک‌رشته‌ای انتخاب می‌شد، تلاش شد مرزهای بین رشته‌های هنری تا حدود زیادی برداشته شود و مبنای انتخاب آثار در پیروی با رویکردهای جهانی، انواع جدید هنرها را هم در برگرفته و با آخرین تحولات جهان، هم‌سو شد. ازاین‌رو، بخش هنرهای جدید مانند چیدمان و اینستالیشن به نمایشگاه‌های فجر تجسمی افزوده شد.

این هم‌نشینی هنرهای جدید در کنار هنرهای بومی چون تذهیب، خوشنویسی و نگارگری، گویی سازه‌ای ناهمساز را تشکیل داد که موجب انتقاداتی به جشنواره شد. به همین دلیل، پس‌از گذشت هشت دوره از آن زمان، هنوز بحث بر سر برخی از انواع هنر، خاصه هنرهای سنتی در هم‌نشینی با هنرهای معاصر وجود دارد و همچنان این پرسش مطرح می‌شود که آیا هنرهایی مانند تذهیب، گل‌ومرغ، نگارگری و خوشنویسی باید در هنرهای تجسمی فجر وجود داشته باشند یا نه؟ به‌بیان دیگر، آیا باید هنرهایی چون تذهیب و گل‌ومرغ را هنر تجسمی بدانیم و آن را در رویکردهای مدرنی مانند جشنواره‌ها و بینال‌ها، که اساساً در بستر معاصر معنا می‌یابند، قرار دهیم یا خیر؟

پاسخ به چنین پرسش‌هایی و سوگیری جشنواره فجر تجسمی در سال‌های آتی از این نقطه‌نظر دارای اهمیت است که می‌تواند سیاست‌های کلی جامعه تجسمی را رقم بزند. همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، جشنوارهٔ فجر به‌عنوان رویدادی ملی، تأثیرگذار بوده یا دست‌کم پتانسیل آن را دارد که به جریان هنرهای تجسمی کشور در سطحی کلان جهت دهد و مرزهای تعاریف را در عالم امروز جابه‌جا کند. پس هر نوع سوگیری درخصوص بودن یا نبودن هنرهای سنتی در کنار هنرهای معاصر در فجر اهمیتی افزون دارد که دقت‌نظر دبیران و سیاست‌گذاران جشنواره را در دوران آتی می‌طلبد. قصد ندارم در این مجال کوتاه با ورود به مباحث تاریخی و مبانی نظری، مرز میان هنرهای سنتی و معاصر را تبیین کنم، بلکه می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و توجه متولیان امر را به ضرورت توجه به اقتصاد فرهنگ و اقتصاد خلاق جلب نمایم که قطعاً جشنواره‌هایی چون فجر می‌تواند بسان موتور حرکتی برای دستیابی به اهداف چنین مباحثی باشد.

آنچه مسلم است در تغییر پارادایمی که جهان از قرن ۲۱ میلادی در پیش گرفته، توجه به فراورده‌های ذهن انسانی که نیازهای روحی و روانی بشر را پوشش می‌دهند، از اهمیتی افزون برخوردار شده و اصطلاحاتی چون اقتصاد فرهنگ، اقتصاد خلاق، شهرهای خلاق، خوشه‌های خلاق و... رهاورد همین توجه دوباره است. به همین دلیل، در جهان امروز با توسعهٔ روزافزون صنایع فرهنگی روبه‌رو هستیم که شالوده‌ای جز دانش‌های برآمده از سنت و دستاوردهای بومی ندارند. اگر این موضوع را بپذیریم که صنایع فرهنگی، فناوری‌هایی ارزش‌مدارند که پیام‌های فرهنگی را منتقل کرده و امکان پیشرفت‌های اقتصادی را در بُعد فرهنگ‌مدارانه و جهانی تقویت می‌کنند، حضور هرآنچه که دل در گرو سنت‌های بومی دارد، در تمامی عرصه‌های فرهنگی و ملی، امری ضروری و مهم است که می‌تواند به تقویت پشتوانه‌های اقتصاد خلاق بینجامد. در جهان امروز که دوران جنگ‌های تن‌به‌تن پایان یافته، شاید محور فرهنگی را بتوان میدان جنگی آرام و بی‌صدا دانست که اگر بموقع توسط متولیان فرهنگی کشور شناسایی نشود، علاوه‌بر حذف ثروت‌های فرهنگی و زیست‌محیطی، ضربه‌ای هولناک بر پیکرهٔ هویت ایرانی وارد خواهد کرد که جبرانش بسیار زمان‌بر و پرهزینه خواهد بود.

نکته این است که اهمیت دادن به هنرهای سنتی، ایجاد زمینه‌های لازم برای دیده شدن، نقد و به‌روز شدن آن‌ها ضروری است و قاعدتاً یکی از عرصه‌های در معرض دید قرار گرفتن این هنرها، جشنواره‌هایی مانند فجر است که مخاطب ایرانی را بار دیگر در بستری جدا از سنت، با چنین هنرهایی روبه‌رو می‌کند و امکان قیاس، تفکر دربارهٔ مالکیت معنوی آن‌ها و هم‌نشینی با نیازهای روز جامعه را برای چنین هنرهایی ایجاد می‌کند. از سویی دیگر، حضور هنرهای سنتی در کنار هنرهای معاصر، چگونگی استمرار و گذر از مرحله‌ای بومی و خودساخته را به مرحلهٔ تأثیرات جهانی برای متفکران عرصهٔ هنر تجسم می‌بخشد که می‌تواند با رویکردهای نقادانه به تعریف جدیدی از هنر و هویت منجر شده و سپهر فرهنگ‌وهنر کشور را جهت دهد. بنابراین، فارغ از قرارگیری هنرهای سنتی در دستهٔ هنرهای تجسمی، بودن و دیده شدن آن‌ها یک ضرورت فرهنگی است که می‌تواند از بُعد اقتصاد خلاق، بسیار حائزاهمیت باشد.

به یک خانهٔ تازه نیازمندیم!

آذر مهاجر / روزنامه‌نگار

چند سال پس‌از جشنواره‌های فیلم و تئاتر فجر، به این منظومه جشنوارهٔ دیگری اضافه شد که هنرهای تجسمی نام داشت. گویی در سال‌های تولد جشنواره‌های فجر، هنرهای تجسمی برای متولیان امر چندان اهمیتی نداشت یا شاید در آن سال‌های قناعت و امساک، آثار تجسمی نه به‌مثابهٔ رسانهٔ هنری، مؤثر و جریان‌ساز بلکه محصولاتی منتسب به اشرافی‌گری تلقی می‌شدند که با سبک‌وسیاق زندگی مردم آن زمانه تناسبی نداشتند. این‌ها حدس و گمان است و شاید حتی دور از واقعیت؛ شاید فقط سهل‌انگاری یا کم‌توجهی و حتی کم‌تجربگی مدیران وقت در طراحی جشنواره‌های ملی، دلیل تولد دیرهنگام جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر باشد؛ اما آنچه هنوز و همچنان روشن و هویداست، بلاتکلیفی و هویت ناتمام جشنوارهٔ هنرهای تجسمی است که پس‌از شانزده دوره همچنان بر نحوهٔ برگزاری این جشنواره سایه انداخته است.

یک جشنوارهٔ ملی پیش از هر چیز به فضایی مناسب برای بروز و ظهور دستاوردهایش نیاز دارد؛ به مکانی که بتواند آثار رسیده و برگزیده‌اش را در مناسب‌ترین شکل ممکن به

نمایش بگذارد، جریان‌سازی کند، برنامه‌های جنبی داشته باشد و پایگاه همیشگی و دائمی هنر ملی باشد، اما جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر در این سال‌ها از داشتن چنین فضایی بی‌بهره بوده است. جشنوارهٔ اخیر در مجموعه فرهنگی‌هنری صبا آثارش را در معرض تماشا گذاشت؛ یعنی در فضایی که چند گالری برای برگزاری نمایشگاه‌های دوره‌ای در اختیار می‌گذارد و با همهٔ امکانات و شرایطی که دارد، به‌لحاظ فضایی برای یک جشنوارهٔ ملی سامان‌دهی نشده است. درست است که معماری و سازمان‌دهی فضایی در مجموعهٔ فرهنگی‌هنری صبا برای نمایش آثار هنرهای تجسمی طراحی شده، دیوارها و امکانات جانبی برای برپایی نمایشگاه‌های متعدد مناسب است؛ اما نه برای یک جشنواره که قرار است ملی باشد و اهداف ویژه‌ای را دنبال کند. در مجموعهٔ فرهنگی‌هنری صبا، فقط این امکان برای هنرمندان فراهم است که آثارشان را طی یک دورهٔ زمانی به نمایش بگذارند و پس‌از برگزاری نمایشگاه و عرضهٔ آثار، نوبت را در اختیار هنرمند بعدی قرار دهند. چنین فضایی حتی اگر از بهترین دیوارها و متناسب‌ترین امکانات جنبی نیز برخوردار باشد، پاسخ‌گوی نیازهای جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر نیست.

جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر به فضا و امکاناتی نیاز دارد که نمایش آثار را در راستای اهداف جشنواره فراهم سازد، از زیرساخت‌های لازم برای جریان‌سازی و تأثیرگذاری هم برخوردار باشد؛ فضایی که همهٔ اجزای آن برای جشنواره طراحی شده باشد، دیوارهایی متناسب با نیازهای جشنواره در اختیار بگذارد، مسیر بازدید آثار را به‌صورت هدفمند تعیین کرده باشد، امکانات جنبی و فضاهای جانبی متناسب با مقاصد جشنواره را در اختیار بگذارد و هر شرکت‌کننده‌ای را از همان لحظهٔ ورود تا زمانی که قصد خروج دارد، مدیریت کرده و در مسیری مشخص سوق دهد.

جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر، پیش‌از آنکه نیازمند یک فضا و مکان برای نمایش آثار باشد، نیازمند معنا و مفهومی است که در قالب یک پیکرهٔ فضایی بروز کند؛ جایی با نام خانهٔ جشنواره یا گالری ملی که از مفهوم خانه در معماری ایرانی بهره‌مند باشد یا یک گالری که معنای ملی بودن در طراحی ساختارش مدنظر قرار گیرد. چنین مکانی بدون‌شک فراتر از یک مجموعهٔ فرهنگی هنری با گالری‌های متعدد است و طراحی اجزای آن متأثر از مفاهیمی خواهد بود که اهداف جشنواره در آن‌ها مستتر باشد. شکل‌گیری فضایی برای میزبانی هنرمندان و شرکت‌کنندگان جشنوارهٔ هنرهای تجسمی، صرفاً در گرو طراحی و ساخت یک بنای تازه با استانداردها و تناسبات نمایشگاهی نیست، بلکه پیش‌از آن، نیازمند بازتعریف اهداف جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر و تعیین نقشهٔ راه و سمت‌وسوی این جشنواره برای شکل‌دهی و پیکره‌بندی دقیق و هدفمند این فضا است.

بنا، پیکره یا ساختار فضایی متناسب با جشنواره، زمانی تجسم عینی خواهد یافت که مختصات برگزاری جشنواره مشخص و تعریف روشنی داشته باشد. متولیان جشنوارهٔ تجسمی فجر وقتی خواهند توانست یک خانه یا گالری ملی را برای این رویداد هنری تدارک ببینند که پیش‌تر دربارهٔ کارکرد معنایی این خانه به آگاهی کامل رسیده باشند و برایشان واضح و مبرهن باشد که خانه قرار است مأمن چه‌کسانی باشد، چه خدماتی را ارائه کند و چه مسیر یا مسیرهایی را پیش‌روی هنرمندان و بازدیدکنندگان آثار جشنواره قرار دهد؛ بازدیدکنندگانی که بسیاری از آن‌ها دانشجویان یا هنردوستانی پراکنده با معیارها و دیدگاه‌های متفاوت هستند و به یک امکان برای اجماع، تماشا، گفت‌وگو و اندیشه‌ورزی نیاز دارند.

تابلوی هزار رنگ

پیمان طالبی / روزنامه‌نگار

هنر زبانی بین‌المللی است. این جمله در نظر شما حقیقی می‌نماید یا شعاری است؟ حقیقت این است که ادراک هنری و وابستگی‌های اجتماعی یک مملکت که سنت و گرایش‌های مردم و اندیشه‌ها و فرهنگ مردم است، به‌صورت حرفه و زندگانی روزمره در افکار هنرمندان آثار هنری اثرگذار است. زبانی که با آن اثر هنری به تصویر کشیده می‌شود و تجسد می‌یابد، صرف‌نظر از بایستگی‌ها و وابستگی‌های فرهنگ بومی و ملی، تا حد زیادی — به‌خصوص در کلیات — میان همهٔ ملت‌ها مشترک است. ازاین‌روست که درک مشترک هنری در میان ملل گوناگون، بسیاری از آثار هنری را برای مردمان چهارگوشهٔ جهان، همه‌فهم می‌کند. بدیهی است که از هنرهای دیگر، حتی هنر ملی ما، یعنی شعر، نمی‌توان چنین قابلیتی را به جلوهٔ تام‌وتمام انتظار داشت؛ چراکه ظرافت‌های زبان مبدأ همواره به یاری ترجمه و بازسرایی به تمامی در زبان مقصد متجلی نمی‌شود.

هنر ایرانی-اگر با این تعریف آن را اجتماع طرح‌ها و نقش‌ها بدانیم- تا حد زیادی با عینیت ریشهٔ مشترک دارد و به آن گره خورده است. ازاین‌رو، هنر تجسمی همان زبان مشترک و بین‌المللی است که برای تعامل با جهان باید از آن سود ببریم. از این گذشته، در روزگاران دور، هنرمندان نخستین نگارگران و طراحان نقوش بر دیواره‌ها و ظروف و سطوح دیگر بوده‌اند و اشکال و طرح‌های بدیع و خاصی ابداع می‌کردند که در نهایت وضوح و به‌شدت تأثیرگذار بودند و پایه‌گذار و اساس طراحی در ایران شدند. این نقوش و طراحی‌ها برای ذهن خیال‌پرور ایرانی

راه توسعه و ترقی را گشود؛ یعنی در حقیقت، ترسیم‌کنندهٔ افقی بود که ایران و ایرانی در رؤیای رسیدن به آن روزگار می‌گذراندند. ازاین‌رو، هنر تجسمی می‌تواند پیشرو و پیش‌برندهٔ افق‌های زندگی ایرانی هم باشد و هست.

بر کسی پوشیده نیست که جشنوارهٔ فجر در تمامی بخش‌ها و محورهای آن، اکنون مهم‌ترین «جشنواره» در فضای هنرهای ایرانی است. بدیهی است که در چنین جشنوارهٔ مهمی، به صدایی برای برون‌داد بین‌المللی هم نیاز است و آن صدا به‌تعبیر من، هنرهای تجسمی است. هنرمندان ایرانی با تجربه‌ای که ریشه در اعصار و قرون متمادی دارد، تاریخ جذاب و خواندنی — به‌معنای واجد مطالعه و مداقه — ایران را در ده‌هزار سال گذشته به‌یاری رنگ‌های خاص به دنیا نشان و نمایش داده‌اند. تبلور این رنگ‌ها، به بومی برای بروز و ظهور نیاز دارد و چه صحنه‌ای مهیاتر از جشنوارهٔ فجر که در آن بتوان با صرف زمان و هزینه و انرژی نهادهای مختلف، ظرفیت‌ها را برای این صحنه‌آرایی حاضر و آماده کرد؟ این ظرفیت، البته بایست با نیم‌نگاهی به بازارهای ملی و بین‌المللی در حوزهٔ اقتصاد هنر نیز اثرگذار باشد و مدیران فرصت را برای رونق در این زمینه مغتنم بدانند.

ارتباط جامعهٔ حرفه‌ای هنر با بازارهای ملی و بین‌المللی از مهم‌ترین نکات موضوع اقتصاد فرهنگ‌وهنر به شمار می‌رود. از سوی دیگر، رونق بازار هنر و بسترسازی برای فعالیت‌های اقتصادی جامعهٔ هنرهای تجسمی، ازجمله مواردی است که در کنار جشنواره‌ای با فراگیری فجر و در سطح ملی، اهمیت می‌یابد. از همین منظر، شکل‌گیری بازار هنرهای تجسمی با حضور نگارخانه‌داران، مجموعه‌داران، تولیدکنندگان صنایع خلاق فرهنگی و صاحبان کسب‌وکارهای هنری در شانزدهمین دورهٔ جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر موردتوجه قرار گرفته است. حرفه‌های تجسمی باید بتوانند در این زمینه نقشی مؤثر و مفید ایفا کنند و به‌یاری جشنواره‌های ازاین‌دست و در این مقیاس و اندازه، این امر محقق خواهد شد. حضور ایران در حراجی‌های بین‌المللی همچون کریستیز، بونامز و ساتبی توانست ارزش هنر ایران را در مقیاس جهانی و در تعامل با جوامع مختلف اثبات کند و روند رشد اقتصادی هنر را هموارتر سازد. امروز اقتصاد رکن رکین جوامع بین‌المللی است و هنرهای تجسمی با عنایت به زبان بین‌المللی‌شان می‌توانند از این رهگذر افق‌های تازه‌ای را به روی شهروندان جامعهٔ جهانی بگشایند.

مسئلهٔ بسیار مهم دیگر مسئلهٔ فرهنگ است. فجر می‌تواند و باید بتواند آینهٔ تمام‌نمایی از فرهنگ ایرانی اسلامی باشد. در محورهای دیگر این رویداد عظیم ملی، جلوه‌های مختلفی از فرهنگ ایرانی به تصویر کشیده شده است: در سینما، هنرمندان از نواحی مختلف ایران با خرده‌فرهنگ‌ها و لهجه‌ها و گویش‌های متنوع آثار خود را در بوتهٔ آزمایش می‌گذارند. در شعر، شاعران و پژوهشگران بسیاری با تکیه بر زبان محلی خود به طبع‌آزمایی یا تحقیق می‌پردازند. در تئاتر، نمایش‌های بومی و محلی جایگاه ویژه و انکارناپذیری دارند و در موسیقی، موسیقی نواحی ایران همواره پرمخاطب و سرآمد است. حال در حوزه‌ای چون هنرهای تجسمی که تنوع ژانر هم خود رنگین‌کمانی از قریحه را آفریده، امکان تجلی یافتن فرهنگ ایرانی و اسلامی به شیوه‌های گوناگون فراهم‌تر از سایر حوزه‌ها به نظر می‌رسد. طراحی، نقاشی، تصویرسازی، عکاسی، خوشنویسی، نگارگری، کارتون، مجسمه‌سازی، سرامیک و بالاخره آبگینه، همه و همه به تعداد شهرها و روستاهای ایران از تنوع برخوردارند، تاجایی‌که گاه دیده شده برای مثال نقوش آبگینه‌های روستایی در نیشابور با نمونه‌های شهرستانی در خوی، هزاران بار تفاوت دارند. کجا می‌توان از کنار هم قرار دادن این رنگ‌های مختلف و متنوع، تابلویی تمام‌عیار ساخت؟ اگر جشنواره بهترین و مناسب‌ترین عرصه برای تحقق این امر نباشد، بی‌شک یکی از بهترین‌هاست.

از ویژگی‌های ارزندهٔ یک جشنواره ملی، تمرکززدایی از مرکز است. بارها و بارها گفته شده که تجمع امکانات از حوزه‌های فرهنگی و هنری در پایتخت باید به همهٔ مناطق ایران تسری داده شود. اما تنها یک عرصه است که در آن صندلی هنرمند تهرانی و هنرمند شهرستانی یکسان است و آن عرصهٔ «رقابت» است. اتفاقاً تجربه ثابت کرده که در چنین عرصه‌هایی گاه هنرمندان مناطق محروم، گوی سبقت را از هنرمندان برخوردار کلان‌شهرها می‌ربایند و شایستگی‌های خود را بیشتر از دیگران به رخ می‌کشند. فجر همان صحنه‌ای است که همه با یک نام‌ونشان، به تفاوت هر رنگ و زبان، روی سن می‌روند و «دیده» می‌شوند. و کیست که نداند هنرهای تجسمی صحنه «دیدن» و تجسم عینیات است و هنرمند این حوزه، اگر خودش و کارش دیده نشوند، در عمل انگار هیچ هنری نیافریده است. دیده شدن هنرمند روستایی در این آورگاه ملی، دیده شدن یک شخص نیست، که عینیت یافتن یک حرفه است. بزرگداشتی است برای هنری عزیز و دیرپا که عمری به‌بلندای ساقه‌های سرسبز دامنهٔ دماوند و خروش تماشایی موج‌های کارون دارد.

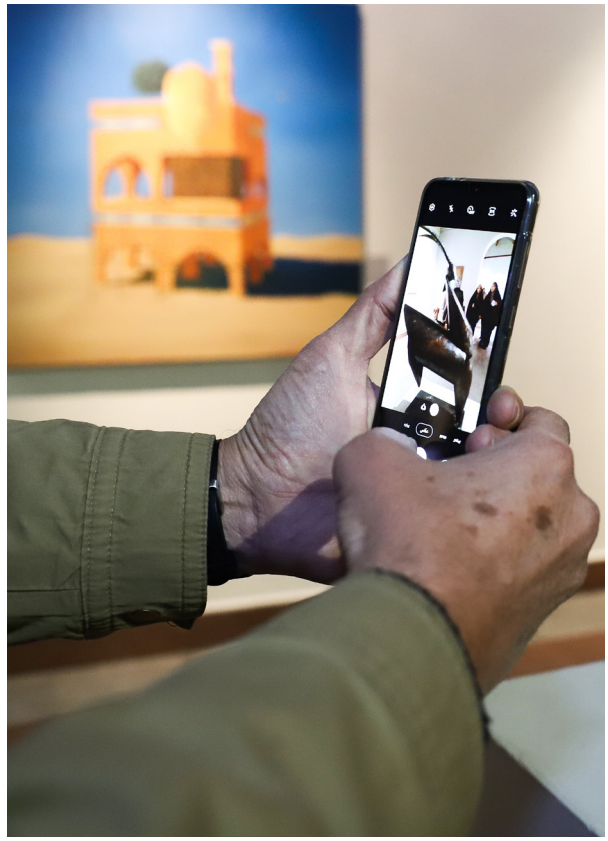

نگاهی به جایگاه خبر هنرهای تجسمی در رسانه‌های ایران

سرنشینان واگن آخر

علیرضا بهرامی / روزنامه‌نگار

ما در واگن آخر نشسته‌ایم. خیلی یادمان نیست از ابتدا بلیت واگن آخر نصیب ما شد یا رفته‌رفته به‌سمت آن سوق داده شدیم. خبرنگارهای هنرهای تجسمی در واگن آخر قطار رسانه‌های ایران قرار گرفته‌اند. از هر منظر که نگاه کنید، این‌طور است. لازم نیست جای دوری برویم. در همین جشنواره‌های هنری فجر، کم‌زرق‌وبرق‌ترین حوزه در رسانه‌ها، ازنظر میزان و جایگاه خبر، همین حوزهٔ «هنرهای تجسمی» است.

اساساً نزد مدیران رسانه‌ها در ایران، بخش و صفحهٔ خبرهای هنری، حداکثر به چشم «جور بودن جنس» و «خالی نبودن عریضه» دیده می‌شود. به همین دلیل، بخش «فرهنگ» و «هنر» معمولاً در فرایندهای تصمیم‌گیری، در اولویت‌های قابل‌توجه دیده نمی‌شود. نه برایش بودجه‌ای خرج می‌شود و نه در ریل‌گذاری‌های چشم‌اندازی، برای این حوزه سهم و قدری قائل‌اند. حال، در نظر بگیرید که در شاخه‌های هنری هم هنرهای تجسمی در ردیف‌های آخر قرار دارد؛ دیگر نور علی نور است. این در حالی است که «هنر» ازنظر ارزش‌های خبری چون شهرت، همواره در جذب مخاطب، از توان بالایی برخوردار بوده است؛ اما جو سیاست‌زدهٔ مدیریت رسانه در ایران، به‌گونه‌ای است که این مهم‌ها نادیده گرفته می‌شوند.

از سوی دیگر، این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که هم‌اکنون ارزش‌افزودهٔ هنر در کنار ورزش و گردشگری، در مناسبت‌های اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافتهٔ جهان، در رتبه‌های نخست قرار دارد؛ زیرا دنیای توسعه‌یافته به این نتیجه رسیده است که ظرفیت «صنعت» در جهان تقریباً پُر شده و ذخیرهٔ «کانی»های معدنی هم که رو به پایان است. پس لازم است در شاخه‌هایی که نام برده شد، به روندهای کارآفرین و ثروت‌آفرین پرداخت. در شاخه‌های مختلف هنری هم «هنرهای تجسمی» جزء شاخه‌های نزدیک به تأمین و تحقق هدف‌های این سیاست‌های مدرن قرار می‌گیرد. به‌دلیل‌های مختلف، ازجمله تنوع شاخه‌ها، قابلیت روزآمد شدن متناسب با پیشرفت تکنولوژی و همچنین ماهیت فیزیکی که آن را در قالب کالایی سرمایه‌ای قرار می‌دهد.

مروری بر حراجی‌های آثار هنری در جهان و روندهای سرمایه‌گذاری صاحبان بنگاه‌های صنعتی و بازرگانی ریزودرشت در زمینهٔ انباشت آثار هنرهای تجسمی به‌عنوان کالای سرمایه‌ای با سود ارزش‌افزودهٔ تضمین‌شده و بالا، گویای این مهم است. حال، تصور کنید این اتفاق در کشور ما عمدتاً در زمینهٔ باشگاه‌داری رخ می‌دهد. البته این هم یکی

از شیوه‌های درآمدزایی و سرمایه‌افزایی در همان کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌شود؛ اما آنجا فرق‌های اساسی وجود دارد که اینجا برعکس آن‌ها در جریان است. دو تفاوت برای نمونه اینکه در آن جامعه‌ها قانون‌های حقوق مالکیت مادی و معنوی به نحوی وجود دارد که یک باشگاه در بسیاری از زمینه‌های فعالیتی خود، از پخش تلویزیون و فروش لباس و پرچم گرفته تا دیگر زمینه‌ها، به درآمدزایی می‌رسد. افزون‌براین، سهام باشگاه در بورسی معامله می‌شود که ساختار بسیار قوی و درعین‌حال بی‌رحمی دارد و مجموعه را مجاب می‌کند که به یک بنگاه غیرضرر‌ده تبدیل شود. هر دو این موردها در ایران، به‌دلیل‌های مختلف، وجود و فعلاً امکان ندارند. درنتیجه، فلان مجموعهٔ پتروشیمی یا معدنی تصمیم می‌گیرد در حوزهٔ فوتبال تیم‌داری کند. در یکی‌دو فصل هم با سرمایه‌گذاری بالا، سری در سرها درمی‌آورد؛ اما به‌محض تغییر نسبی شرایط به هر دلیلی، یا مثلاً کوچ سرمربی‌اش به تیم ملی، روند سقوط به رتبه‌ها و دسته‌های پایین‌تر را طی می‌کند. بدین طریق، همهٔ آن سرمایه‌ها، به‌اصطلاح، سوخت می‌شود.

تنها چند مجموعهٔ اقتصادی معدود، ازجمله بانک‌های خصوصی هستند که در زمینهٔ سرمایه‌گذاری ازطریق خرید و انبار آثار هنرهای تجسمی، به سرمایه‌گذاری آینده‌نگر پرداخته‌اند؛ دقیقاً همان‌هایی که برای هر رفتار اقتصادی‌شان باید به سهام‌دارانشان پاسخ‌گو باشند. حال، این بینش را چه‌کسی باید یا می‌تواند در نزد مدیران اقتصادی و تجاری توسعه دهد؟ بی‌تردید یکی از مهم‌ترین‌ها، رسانه‌ها هستند که چنین توانی دارند. رسانه‌ای که مدیران و بعضی دست‌اندرکاران آن دربارهٔ این مقوله بینش درستی ندارند، چگونه ممکن است ما را به این مهم رهنمون کند؟ پاسخ این است که رهنمون کردن به‌سمت مطلوب، پیشکش، متأسفانه در بسیاری مواقع ازطریق رسانه‌هایمان، بخش‌های هنری و هنرهای تجسمی، اطلاعات غلط هم به مخاطب منتقل می‌کنیم.

یک خاطره را با شما به اشتراک می‌گذارم. سال ۲۰۱۵ میلادی، مقارن ۱۳۹۴ خورشیدی، حدود شانزده سال می‌شد که در ایسنا به فعالیت مشغول بودم. در آن سال‌ها وقتی موسم برگزاری دوسالانهٔ ونیز می‌شد، به‌طبع تعدادی خبر ترجمه و تولیدی دربارهٔ حضور ایران در این بینال تولید و منتشر می‌شد. آن بین، گاهی یک شیرپاک‌خورده هم اعتراض می‌کرد که چرا در انتخاب هنرمندان و آثار هنری شرکت‌کننده در دوسالانهٔ ونیز، به هنرهای تجسمی ملی ما ازجمله خوشنویسی بی‌توجهی می‌شود؟ ما هم در مقام روزنامه‌نگار این حوزه، رگ گردنمان برمی‌آمد که واقعاً چرا؟! مسئولان وقت هم به هر دلیل، به ما نمی‌گفتند که در روزگار سلطهٔ اینترنت، کافی است پای کامپیوتر بنشینید و با یک جست‌وجوی ساده متوجه شوید که این پرسش و نگاه از اساس غلط است. به‌هرحال، آن سال، مانند همکارانی دیگر، تصمیم گرفتم که با همت و هزینهٔ شخصی، دوسالانهٔ ونیز را از نزدیک ببینم. همان موقع رسانه‌های ما برای سفرهای مربوط به نشست‌های برجام بسیار هزینه می‌کردند؛ چون موضوع سیاسی بود؛ اما برای رویدادهای هنری، اعتبار و تمایلی وجود نداشت. رسانه در نهایت در زمینهٔ مرخصی یا یک حق‌مأموریت جنبی می‌توانست کمک‌حال باشد. افزون‌بر هزینه‌های مالی، شرایط گرفتن ویزای شنگن هم که برای خبرنگاران ایرانی عبور از هفت‌خوان رستم است.

به‌هرحال، وقتی به ونیز رسیدم، دیدن چند پاویون کافی بود تا به این نتیجه برسم که سال‌ها دربارهٔ این رویداد مهم هنرهای تجسمی جهان، چقدر اشتباه نوشته‌ایم؛ آن‌هم در یک رسانهٔ ترازبالای مملکت. چراکه دوسالانهٔ ونیز اساساً برمبنای هنر پیش‌رو شکل گرفته است. سال ۲۰۱۹ برای سومین و آخرین بار که به‌قصد این رویداد جهانی خودم را به شهر کوچک و تاریخی ایتالیا رساندم، متوجه شدم که قطار هنرهای تجسمی جهان دیگر از سبک‌ها و شاخه‌هایی چون کانسپچوآل‌آرت، ویدئوآرت و اینستلیشن‌آرت هم عبور کرده است. مثلاً در همان سال، یک پرفورمنس ساحلی برندهٔ شیر طلای دوسالانهٔ هنرهای تجسمی ونیز شد. همین‌جا یک نکتهٔ مهم دیگر بگویم: بار اولی که می‌خواستم به دوسالانه ونیز بروم، برای دریافت ویزا به موزهٔ هنرهای معاصر و معاون بین‌الملل وقت آن مراجعه کردم. ظرف دو دقیقه خواسته‌ام را مبنی‌بر کمک به دریافت وقت تحویل مدارک به سفارت گفتم، معاون محترم در چشم من زل زد و بدون فوت وقت گفت ما نمی‌توانیم به شما کمک کنیم. همان موقع با کمک اتاق بازرگانی ایران، ایتالیا و یک مجموعهٔ دیگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توانستم موضوع را به سرانجام برسانم. حال، توجه کنید که یک مشکل هم در این میان، تغییر دولت‌هاست که مثلاً موجب می‌شود ما در دوسالانهٔ ونیزِ اخیر غایب باشیم، چون پیگیری آن، میان پایان و آغاز کار دو دولت قرار گرفت. بر همین اساس است که می‌گویم ما در واگن آخر نشسته‌ایم و فقط می‌توانیم امیدوار باشیم که رفته‌رفته از قطار خارج نشویم.

موزه هنرهای
معاصر تهران
TMOCA

مجید احمدی / کارشناس هنرهای تجسمی

بازگشت یک رویداد مهم به جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر

رونق «بازار هنر»

چندین سال پیش مدیران دولتی هنرهای تجسمی بر آن شدند در کنار جشنوارهٔ تجسمی فجر بخشی را با عنوان بازار هنر راه‌اندازی کنند تا به ارتباط بیشتر و بهتر میان حلقه‌های اقتصادی هنر و هنرمندان کمک کنند. طرحی خوب که در صورت تحقق، می‌توانست تا حدی خلأ وجود اکسپو را هم پر کند؛ اما در چند دورهٔ قبلی عطای آن به لقایش بخشیده شد و جشنواره از داشتن بازار هنر محروم ماند. عجیب است مدیران در دوره‌های پیش تمام، اهتمامشان را بر این گذاشتند که این فاصله مدام بیشتر و بخش مهم و اثرگذار بازار هنر تعطیل شود. در ادامهٔ این مسیر، رابطهٔ سرد میان اقتصاد هنر و بخش دولتی هنرهای تجسمی بازهم سردتر شد و نسیم خنک اکسپو که قرار بود ابرهای باران‌زای رونق اقتصاد را بر سر هنر بباراند، خشک و کورسوی امیدی که هنرمندان به بازار هنر داشتند هم خاموش شد.

سؤالی که همیشه به ذهن هنرمندان می‌رسید، این بود: هنرهای تجسمی که پویاترین و بدون‌شک یکی از معتبرترین بخش‌های هنری کشور بوده و هست، در کجای دودوتاچهارتای حمایت‌های مالی و اقتصادی هنر ایستاده است؟ هنرمندان موسیقی و تئاتر همواره تحت حمایت‌های مالی بوده‌اند، اما هنرمندان بخش تجسمی به‌دور از توجه مدیران، بدون حاشیه به کار خود ادامه می‌دادند. قرار بود درصدی از بودجهٔ عمرانی کشور به خرید آثار هنری اختصاص یابد (قانون اکسپو) و بسیاری از هنرمندان چشم امید داشتند، این بودجه از راه برگزاری اکسپو و سپس، بازار هنر تأمین شود که با تعطیلی این دو رویداد، رفته‌رفته به فراموشی سپرده شد.

جشنوارهٔ فجر در چند دورهٔ گذشته رویکردی گلخانه‌ای در پیش گرفت و به یک نمایشگاه بدون جذب منابع مالی برای هنرمندان تبدیل شد. بی‌تفاوتی به اقتصاد هنر که جریان‌های هنری دنیا از دل آن بیرون آمده نکوهیده است. در سراسر جهان اکسپوها، آرت‌فرها، نمایشگاه‌ها و حراجی‌ها تعیین‌کنندهٔ بخشی از مسیر جریان هنرهای تجسمی هستند. این امر مهم در ایران تا حدودی برعهدهٔ بخش خصوصی گذاشته شد و متأسفانه، بخش دولتی همواره از ورود به آن امتناع می‌کرد. باید این سؤال مهم را همواره با مدیران مطرح کرد که چرا گمان می‌شود ورود به مقولهٔ اقتصاد هنر بد است؟ چرا نباید رویکرد فرهنگی را با اقتصادی توأمان کرد؟ چه ایرادی دارد که بتوان هم‌زمان کنش اقتصادی را در کنار عمل فرهنگی قرار داد؟

این خلاصه‌ای است از آنچه بود و نبود، اما در جشنوارهٔ شانزدهم تجسمی فجر بدعت‌گذاری نیکی را شاهدیم. مدیران جدید تجسمی برآن شده‌اند که جانی تازه به رگ‌های خستهٔ جشنواره بدمند. از انتخاب‌های هوشمندانه در ابتدای جشنواره تا نگاهی بازتر به رویدادهای تجسمی کشور مشخص بود که این دوره قرار است متفاوت از چند دورهٔ پیش باشد. در این دوره، بخش بازار هنر احیا و با همکاری بخشی از نگارخانه‌ها آثاری چشمگیر گردآوری شد. این اتفاق را باید هم به مدیران این دوره از جشنواره و هم به گالری‌داران تبریک گفت. گالری‌داران قواعد بازار هنر را می‌دانند و اعتماد مدیران به درک آن‌ها از هنر بُعد مهم ماجراست که نتایج خوبی را برای این دوره از جشنواره داشته است. در صورت تداوم این رابطه، بازارسازی درست و هدفمند در عرصهٔ هنرهای تجسمی شکل گرفته و گالری‌ها به‌عنوان شریان‌های مهم هنر تجسمی، درگیر برگزاری مهم‌ترین رویداد تجسمی کشور خواهد کرد.

در این دوره از جشنواره، چند مجموعه و مؤسسهٔ هنری در کنار چند نام معتبر از گالری‌های تهران آثاری را به بازار هنر ارائه دادند که می‌توان گفت نام‌های مهم و درخشانی در بازار هنر ایران به شمار می‌روند. این نام‌ها توجه مجموعه‌داران و خریداران آثار هنری را به این بخش از جشنوارهٔ هنرهای تجسمی جلب کرده و بازار هنر را رونق دادند تا نشان دهند اعتماد و جریان‌سازی مدیران و تخصص گالری‌داران در کنار هم نه‌فقط طی برگزاری جشنواره، که در تمام سال اتفاقات خوبی را رقم می‌زند.

این تجربهٔ خوب نباید دوباره فراموش شده و با تغییر مدیران به پستوها برود. جشنوارهٔ فجر باید از حالا برای سال‌های آینده به فکر باشد. داشتن یک مدیر دائمی کاربلد برای این بخش یک التزام است. مدیری که صرفاً نگاه دولتی نداشته و بتواند از طریق ارتباط‌گیری با ارگان‌های مالی وزارتخانه‌ها از یک‌سو و گالری‌ها از دیگر سو، زمینه را برای موفقیت بازار هنر در آینده فراهم کند. در هر صورت برخلاف نظر برخی کوته‌بین‌ها، گره زدن جشنوارهٔ فجر یا هر اتفاق دیگری در حوزهٔ تجسمی به زلف اقتصاد، بزرگ‌منشی بوده و راه‌حلی است برای برون‌رفت از فضای بسته و راه دراز میان بازارهای مالی با هنرِ هنرمندان ایرانی.

سعید فلاح‌فر
دبیر بخش «تجسم هنر»

نشانه‌های روشن

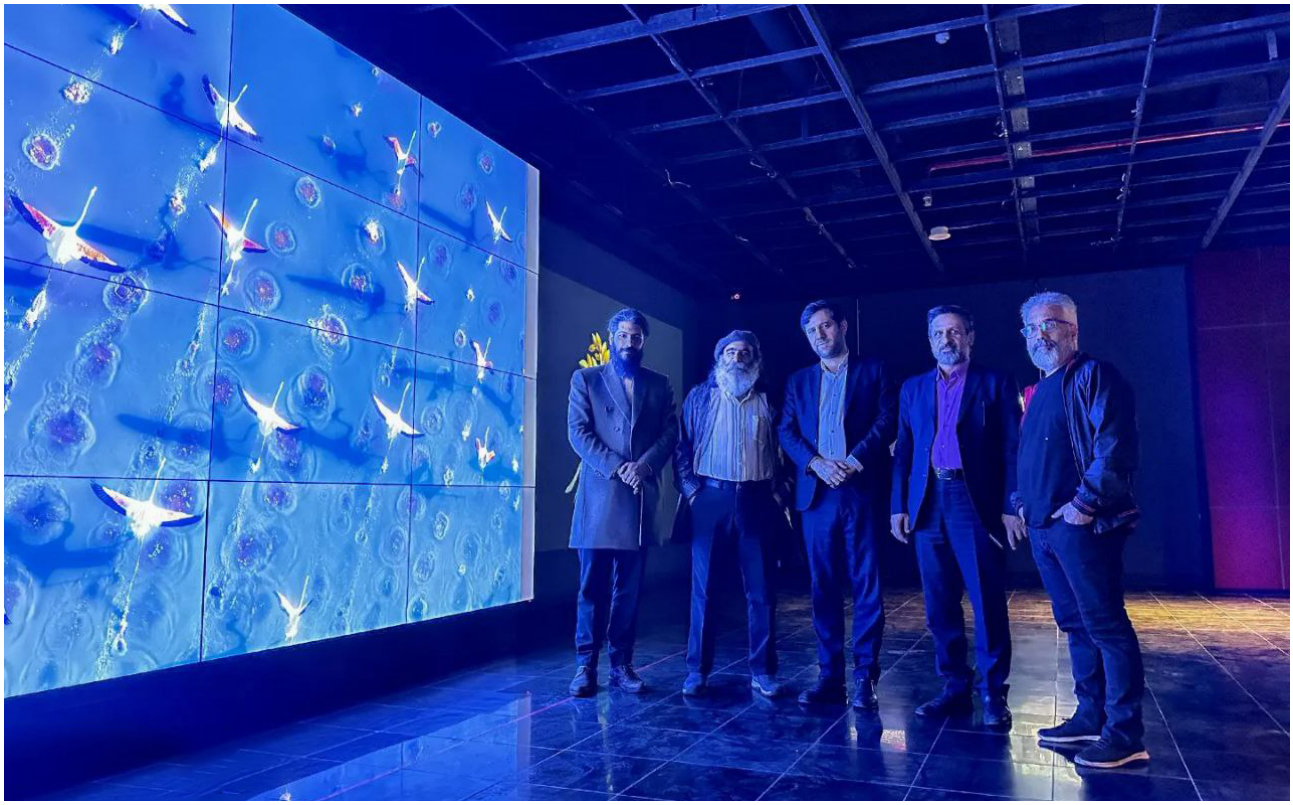

فعالیت و برنامه‌ریزی برای رویدادهای هنری در استان‌ها به دلایل متعدد با آنچه در مرکز کشور اتفاق می‌افتد، تفاوت دارد. ورود به عرصه هنر در خارج مرکز، از بعضی جهات حاوی امتیازات قابل توجهی است و از جهاتی هم با دشواری‌های خاصی همراه می‌شود. تنوع فرهنگی و اختلاف در برخورداری‌های اقتصادی، اجتماعی و زیرساخت‌ها یا بعضی محرومیت‌ها نیز در همه استان‌ها یکسان نیست. در یک روند کاملاً آشنا، هنرمندان تلاش می‌کنند که آثار هنری خود را در مرکز به نمایش بگذارند و در رویدادهای بزرگ پایتخت سهیم باشند. با وجود تأسیس آموزشگاه‌های هنری، شعبات دانشگاهی با گروه‌های فعال در هنرهای تجسمی، راه‌اندازی نگارخانه‌ها، چند موزه بزرگ هنرهای معاصر و... تمایل هنرمندان به حضور در مرکز چندان کاهشی به نظر نمی‌رسد و روند مهاجرت هنرمندان به تهران همچنان یکطرفه است. به ویژه که جریان اقتصاد هنرهای

تجسمی ـ اگر نگوییم تنها در تهران برقرار است ـ حداقل حجم مبادلات اقتصادی آن قابل قیاس با سایر استان‌ها و شهرستان‌ها نیست. چنین نسبتی در جذب مخاطب هم البته وجود دارد. به اضافه در تب و تاب هنر جهانی، ارتباط‌های بین‌المللی. حتی با توسعه رسانه‌های نسل حاضر. همچنان در مرکز از قوت بیشتری برخوردار است. در بسترهای ضروری رشد هنر، حتی در شهرهای کوچکتر و با جمعیت کمتر، موضوعاتی مثل نقد هنری، رسانه‌های تخصصی و... علاوه بر ضعف‌های علمی، دچار ملاحظات فرهنگی هم می‌شود. در این معنا گاهی کمبود مخاطب حرفه‌ای هم واقعیت سطح کیفی و هنری هنرمندان را دچار شبهاتی می‌کند. اغراق در احساس موفقیت و شهرت محلی و شیوه‌های رقابتی در عرصه هنر و... می‌تواند انگیزه‌های پیشرفت هنرمندان شهرستانی را مختل سازد. باور کنیم در بعضی از شهرهای نه چندان کوچک، خرید و تهیه ساده‌ترین لوازم نقاشی، عکاسی و مجسمه‌سازی یا استفاده از خدمات نمایشگاهی و حرفه‌های جانبی هنر ممکن نیست. چه بسیار نوجوانان و جوانانی که به دلیل آموزش‌های اشتباه وقت خود را تلف کرده‌اند. تحلیل جامع چنین موقعیتی، مجالی فراتر از این یادداشت می‌خواهد. اما به طور خلاصه؛ محدودیت فرصت‌ها، چه فرصت‌های آفرینش، چه جذب سرمایه و گردش مالی؛ خلق آثار هنری و برگزاری رویدادهای هنری در استان‌ها و شهرهای دور از مرکز را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین توسعه ظرفیت‌های هنری استان‌ها همواره یکی از دغدغه‌های مهم جامعه هنری و مدیریت فرهنگی است. در حالی که در یک مطالبه آرمانی، پراکندگی اقوام، جغرافیا، بوم، میراث فرهنگی و حتی تنوع زبانی می‌تواند و باید منبع شکوفایی و پرباری هنرهای تجسمی در سطح ملی باشد.

اگرچه سازوکار «جشنواره هنرهای تجسمی فجر» به شکلی طراحی شده که از نظر فنی و عملیاتی، مشارکت هنرمندان در سراسر کشور به یک اندازه ممکن است، اما عملاً در بخش رقابتی و از حیث سطح کیفی آثار، تفاوت‌های معناداری به چشم می‌آید. دسترسی و امکان بازدید حضوری از نمایشگاه این رویداد نیز برای همه در سطح کشور، آسان نیست. از این جهت از دوره چهاردهم، بخش «تجسم هنر» برای حمایت از علاقه‌مندان و هنرمندان استانی به جشنواره اضافه شد. تجسم هنر سعی داشت برای هنرمندانی که امکان شرکت و رقابت در بخش اصلی جشنواره هنرهای تجسمی فجر را نداشتند، فضای حضور و عرضه مهیا کند. از طرفی هم برای علاقه‌مندان و مخاطبان ساکن استان‌های مختلف، برنامه‌ای آماده کرده باشد. برگزاری نمایشگاه‌های استانی فجر با «کنار هم چیدن آثار هنرمندان محلی» با این ایده شکل گرفت. با تجارب به دست آمده، فعالیت سومین دوره تجسم هنر در شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر با تغییرات مهم و همسو با هنر معاصر آغاز شد تا امکان شناسایی ظرفیت‌های استانی بیش از پیش فراهم شود.

برخلاف بعضی فعالیت‌های علمی مثل ریاضی و هندسه و شیمی یا تولید هنرهای سنتی و صنایع دستی و... که در خلوت هم میسر است، «هنر معاصر» مثل اندیشیدن، مثل هر کنش فرهنگی و اجتماعی، تنها در تداوم تجارب زیستی هنرمند و در پیوستگی فکری و اجتماعی (با عناصری مثل مخاطب، زبان، فضای هنری، شیوه ارائه، منتقد هنری، اقتصاد هنر، رسانه هنری و... در مکان و فضا و زمان و زمانه) قابلیت وقوع و کمال پیدا می‌کند. امروزه «کیوریتور» هم به عنوان هنرمند یا حداقل بخشی از فرایند خلق و نمایش و ارائه اثر هنری، نقش پررنگی در چیستی، چگونگی و چرایی هنر معاصر دارد. سیاست‌های این دوره از تجسم هنر بر این ضرورت تاکید داشت تا حتی‌الامکان تمایل و گرایش استان‌ها به انجام وظایف اداری، به سمت یک رویداد هنری کیوریتورمحور حرکت کند؛ تا جایی که با فرایند انتخاب «دبیر هنری استان» از میان هنرمندان استانی، جایزه ویژه‌ای هم با ماهیت جدید برای کیوریتوری (به جای آنچه در حد مدیریت اجرایی و گردآوری آثار هنرمندان استان بود) به فهرست جوایز و منتخبین اضافه شد. طراحان امیدوارند شاخصه‌های این انتخاب در ارائه استیتمنت، نحوه رعایت استانداردها و خلاقیت‌های نمایشگاهی، توجه به ارکان مغفول مانده ارائه هنر معاصر، زیرساخت‌های شهری و... موجبات تقویت انگیزه و ارتقاء مفهوم هنرهای تجسمی به تناسب وضعیت استان‌ها را فراهم سازد. همچنین حمایت مالی از شرکت‌کنندگان با تخصیص جوایز استانی و پرداخت حق نمایش آثار از طرف جشنواره هنرهای تجسمی فجر، در کنار امتیازات معنوی مانند ارائه گواهی و چاپ کتاب و... هم در برنامه‌های تشویقی مدنظر برگزارکنندگان قرار گرفت. بی‌تردید تحقق کامل چنین رویکردی مستلزم تمرین، تجربه، دانش، آموزش، مشارکت‌های فرهنگی، هماهنگی‌های اجرایی و... است. با توجه به محدویت زمانی در تبیین و اجرای برنامه‌های این دوره، آنچه از گزارش‌ها، بازدیدها و بازتاب‌ها حاصل شده، نشانه‌های روشنی برای دست‌اندرکاران جشنواره هنرهای تجسمی فجر در دوره‌های آتی دارد؛ انشاالله.

چرا جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر می‌تواند الگویی برای سایر رویدادها باشد؟

پیوند هنرهای چهارم و هفتم

علی زادمهر
روزنامه‌نگار و کارشناس سینما

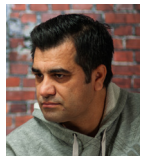

در میان هنرهای مختلف، فیلم و سینما به‌عنوان هنر هفتم، جوان‌ترین است. سینما از سایر هنرها تأثیر بسیاری گرفته و در این میان، تأثیر هنرهای تجسمی بر آن بیش از هنرهای دیگر است. تا حدی که بسیاری از فیلم‌سازان و کارگردان‌های امروز سینما پیش‌از ورود به عرصهٔ فیلم‌سازی، به یکی از شاخه‌های هنرهای تجسمی علاقه‌مند بوده‌اند. برخی حتی در رشته‌هایی چون نقاشی و معماری تحصیل کرده‌اند و بعد، وارد سینما شدند. از سوی دیگر، فیلم‌سازان و سینماگران نقش پررنگی در معرفی هنر و هنرمندان هنرهای تجسمی داشته‌اند. آثاری سینمایی چون «کمال‌الملک» ساختهٔ علی حاتمی یا فیلم‌هایی که براساس زندگی چهره‌های مطرحی چون فرح اصولی، آیدین آغداشلو و علی‌اکبر صادقی ساخته شده، نشانگر هم‌زیستی و درهم‌تنیدگی دو هنر است. البته،

تاکنون کمتر فضا و فرصتی برای ارزیابی این فیلم‌ها از منظر هنرهای تجسمی ایجاد شده است؛ چراکه ما در مواجهه با این آثار، تک‌بُعدی عمل کرده‌ایم.

یکی از مشکلات جشنواره‌های تخصصی هنری در ایران، بی‌توجهی به محصولات بینارشته‌ای و بینامتنی است. برای نمونه، در جشنوارهٔ فیلم فجر، شاهدیم که فقط محصولات سینمایی موردتوجه قرار گرفته و به سایر آثار بینارشته‌ای مانند نقد، کتاب و... که پیوندی با سینما دارند، توجهی نمی‌شود. این برخلاف رویهٔ معمول در اغلب رویدادهای مشابه در جهان است که به تولیدات بینارشته‌ای توجه ویژه‌ای دارند. جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر ازجمله رویدادهایی است که در سال‌های گذشته و امسال این نقیصه را رفع کرده و با اختصاص بخشی ویژه به فیلم، شرایط را برای حضور فیلم‌های مختلفی فراهم کرده است که به هنرهای تجسمی پرداخته‌اند.

امسال براساس یک برنامه‌ریزی معین، شماری از فیلم‌های مستندی که به هنرهای تجسمی پرداخته بودند، در جشنواره اکران شدند و مهم‌تر اینکه هنرمندان هیچ محدودیتی برای ارائهٔ آثارشان نداشتند و تمامی فیلم‌های پرتره و مستند مرتبط با موضوع هنرهای تجسمی می‌توانستند فرصت دیده شدن در جشنواره را داشته باشند. براساس آمارها، پس‌از انتشار فراخوان، ۲۲ اثر به بخش رقابتی فیلم‌های مستند هنرهای تجسمی رسید که عدد کوچکی محسوب نمی‌شود. با نگاهی به داستان و محتوای فیلم‌های نمایش‌یافته، درمی‌یابیم که هیئت انتخاب و برگزارکنندگان جشنواره کوشیده‌اند تا بهترین آثار را با بیشترین تنوع که ارتباط مستقیمی با هنرهای تجسمی دارد، انتخاب کنند. برای درک بهتر این مسئله، موضوع فیلم‌هایی را مرور می‌کنیم که در این بخش به نمایش درآمده‌اند:

مستند «از آفتابی به آفتاب دیگر» به‌کارگردانی مریم فرهمند - که براساس کتابی به همین نام ساخته شده - به منصور قندریز، از هنرمندان موج نو سنت‌گرایی ایران و یکی از بنیان‌گذاران مکتب سقاخانه می‌پردازد.

«تا بادها یادها را نبرند» به‌کارگردانی احمد صراف یزد، روایتی از تاریخ اجتماعی و مردم‌شناسی شهر یزد از اواخر دوران قاجار تا انقلاب اسلامی است که به‌مدد تاریخچهٔ عکاسی و از دریچهٔ دوربین اشخاصی چون حسینعلی عکاس یزدی و رحیم‌خان شیرمحمدی، هویت یزد رو به شکلی هنری به تصویر کشیده است. این مستند فریم‌هایی قدیمی از ورود دوچرخه و اتومبیل به یزد تا آیین نخل‌برداری، میدان امیرچخماق و نماز باران حاج‌شیخ غلامرضا فقیه خراسانی را در بر می‌گیرد.

مستند «دفک» به کارگردانی بهنام بیرم‌وند، دربارهٔ هشت عضو خانوادهٔ فرخ‌زاد از عشایر بختیاری است که در شهر دزفول زندگی می‌کنند. آن‌ها همه نقاشان خودآموخته‌اند و به‌سبک‌های مختلف، آثار هنری خلق می‌کنند.

«راز عیسی» به‌کارگردانی آبتین شمیلی به زندگی و زمانهٔ مارک بهادری، یکی از دو بازماندهٔ خاندان بهادری و نوهٔ عیسی بهادری، طراح صاحب‌نام فرش و نقاش معاصر پرداخته است. مارک برای جست‌وجوی آثار نایاب، پراکنده و فراموش‌شدهٔ پدربزرگش از شهر نرماندی فرانسه، سفری را آغاز می‌کند تا رمزوراز موجود در آثار او را در یک کتاب گردآوری کند.

مستند «من هنرمند نیستم» به‌کارگردانی سیما ابراهیمی، به زندگی و فعالیت‌های مجید عباسی، هنرمندی که به ارتباط نزدیک مردم و هنرمند معتقد است، می‌پردازد. او می‌کوشد به‌واسطهٔ قدرت هنر، روستای پدری‌اش را دوباره به روزهای پرشورونشاط گذشته بازگرداند.

«ناخدا» به‌کارگردانی علی ارکیان، یکی از متفاوت‌ترین آثار جشنوارهٔ امسال، به زندگی ناخدایی می‌پردازد که علاقهٔ ویژه‌ای به هنر نقاشی دارد. ناخدا علاوه‌بر ماهی‌گیری، شعر می‌سراید و نقاشی می‌کشد. فیلم‌ساز با نگاهی شاعرانه به زندگی او روایت سینمایی دلچسبی را خلق کرده است.

مستند «هولاین در ایران» ساختهٔ هادی آفریده به‌سراغ موزهٔ شیشهٔ ایران که یکی از مهم‌ترین موزه‌های ایران به شمار می‌آید، پرداخته است. این مستند براساس اسناد و دست‌نوشته‌ها داستان طراحی و احداث موزه توسط معمار برجسته اتریشی، هانس هولاین را روایت می‌کند.

این سطور مختصر را دربارهٔ هفت مستند حاضر در جشنوارهٔ تجسمی فجر نوشتم، تا بی‌آنکه به‌طور مستقیم گفته باشم تنوع آثار اکران‌شده را در این رویداد ببینید. رویدادی که هویت شهرها و موزه‌ها و هنرمندان را گرامی داشته و به تماشای همه رفته است. از نقاش خودآموخته تا ناخدای شاعر را با آغوش باز می‌پذیرد و برای موضوعاتی که بیشتر به حوزهٔ میراث فرهنگی گره خورده‌اند هم جا دارد. کمتر جشنواره‌ای در ایران تلاش می‌کند همهٔ هنرها را ببیند و بپذیرد و تریبونی در اختیارشان بگذارد. جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر اما با چنین تنوعی در انتخاب، این مهربانی را دارد. هنرهای تجسمی در رده‌بندی هنرها، هنر چهارم خوانده می‌شود و اینک با میزبانی خوب هنر چهارم از آثار هنر هفتم، اتفاقی شایسته را رقم زده که می‌تواند الگویی برای دیگر رویدادهای هنری مشابه باشد.

نمایش تاریخ مصوّر هنر انقلاب اسلامی با چاشنی پوستر

یکی از اتفاقات مهمی که برای نخستین بار در بستر شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر به وقوع پیوست، برپایی نمایشگاه محیطی پوسترهای ادوار جشنواره‌های فیلم، تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی فجر در کوشک باغ هنر تهران بود. نمایشگاهی مشتمل بر ۱۲۷ پوستر که هنرها را درهم آمیخت و فرازهای مهمی از تاریخ هنر انقلاب اسلامی را پیش چشم مخاطبان گذاشت.

این رویداد هنری به‌ویژه از آن حیث که امروزه در دنیا دیگر نمی‌توان مرزی میان هنرها قائل شد، اتفاقی درخور اعتنا به شمار می‌رود. چه اینکه پوستر به خوبی نمایان‌گر ارتباط و پیوستگی هنرهاست. از منظری دیگر، پوستر به مثابه اعلانی است که مختصات کلی حاکم بر یک رویداد یا جشنواره را روایت می‌کند و مخاطب با تماشای آن به اهمیت تاریخی آن رویداد پی می‌برد. افزون بر این موارد، پوستر را باید یکی از شاخه‌های اصلی هنر ارتباط تصویری و در زمره کاربردی‌ترین گرایش‌های هنرهای تجسمی به شمار آورد که بیشترین بیننده و مخاطب را به خود اختصاص می‌دهد.

بر همین اساس، جشنواره هنرهای تجسمی فجر در گام شانزدهم خود برای نخستین بار، مجموعه پوسترهای ادوار گوناگون جشنواره‌های فیلم، موسیقی، تئاتر و هنرهای تجسمی فجر را در قالب یک نمایشگاه مجزا به نمایش گذاشت؛ پوسترهایی که برخی از آنها توسط طراحان نامدار معاصر طراحی شده‌اند و واجد اعتبار تاریخی و هنری بسزایی هستند.

مفاخر هنرهای تجسمی به روایت موزه هنرهای معاصر تهران

موزه هنرهای معاصر تهران در جریان برگزاری شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر همچون فجر پانزدهم نقش موثر و قابل اعتنایی را ایفا کرد. در این راستا میزبانی از نمایشگاه‌های «مفاخر هنرهای تجسمی به روایت موزه هنرهای معاصر تهران» که منتخبی از آثار گنجینه موزه را شامل می‌شد و نیز «آینه در آینه ۳» که دربرگیرنده پوسترهای مقطع انقلاب اسلامی و پس از آن بود، توانست پای بسیاری از هنردوستان را به مهم‌ترین موزه هنری غرب آسیا باز کند.

در بخش مفاخر هنرهای تجسمی به روایت موزه هنرهای معاصر تهران، بیش از ۸۰ اثر از ۵۵ هنرمند و در بخش آینه در آینه ۳، بالغ بر ۹۷ اثر از ۲۷ هنرمند به نمایش درآمد که آثار هنرمندانی چون حسین محجوبی، ابوالقاسم سعیدی، محمدحسین حلیمی، محمدعلی رجبی، ناصر اویسی، یعقوب امدادیان، جلیل رسولی، کاظم چلیپا، حبیب‌الله صادقی، حبیب‌الله آیت‌اللهی، نصرالله افجه‌ای، حسین خسروجردی، جلال شباهنگی، ابوالفضل عالی، حمید شریفی آل هاشم، مرتضی کاتوزیان، محمد خزایی، کوروش شیشه‌گران، اسماعیل شیشه‌گران، مصطفی گودرزی، علیرضا عمومی و... را دربرمی‌گرفت.

تولد یک طوبای تازه

ازجمله اتفاقات مهمی که برای نخستین بار در بستر شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر به ثمر نشست، اهدای تندیس طوبای زرین به بهترین اثر هنری از نگاه مخاطبان بود. تصمیمی که در راستای ضریب‌بخشی به رای و نظر مخاطبان جشنواره شانزدهم، اتخاد و اجرایی شد.

برای این منظور، فرم‌های ارزیابی آثار هنری نمایش‌یافته در نمایشگاه فجر شانزدهم از سوی دبیرخانه جشنواره طراحی و میان بازدیدکنندگان توزیع شد. هر مخاطب پس از اتمام بازدید خود از نمایشگاه، می‌توانست نام ۵ اثر و هنرمندان منتخب خود را در فرم‌ها بنویسد.

در پایان، از میان بیش از ۲ هزار رای ماخوذه، اثر سید کمال‌الدین رفیعی، هنرمند رشته نقاشی به عنوان بهترین اثر هنری از نگاه مخاطبان نمایشگاه شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر، منتخب و معرفی شد. رفیعی در آیین اختتامیه فجر شانزدهم، تندیس طوبای زرین و جایزه نقدی خود را دریافت کرد و به این ترتیب، نخستین هنرمندی لقب گرفت که طوبای نوپای بهترین اثر هنری از نگاه مخاطبان این رویداد هنری را به خود اختصاص می‌دهد.

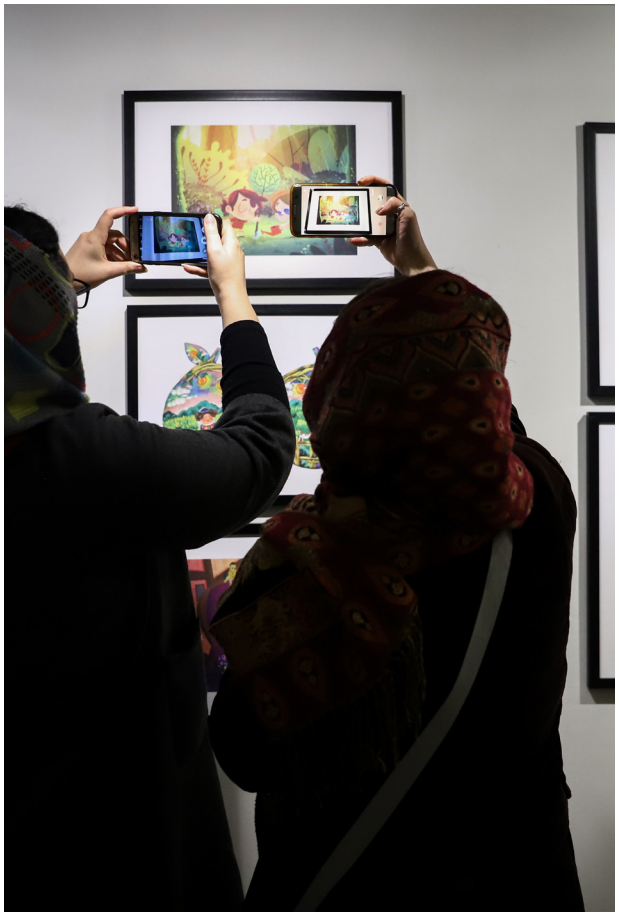

ستاد برگزاری
شانزدهمین جشنوارهٔ هنرهای تجسمی فجر

معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
محمود سالاری

مدیرکل هنرهای تجسمی
و رئیس شورای سیاست گذاری جشنواره
محمد خراسانی زاده

دبیرکل امیرعبدالحسینی

دبیرهنری مسعود زنده روح کرمانی

دبیر اجرایی جعفر واحدی

مدیر برگزاری سیدحسین محمدپور

مدیر هنری شاپور حاتمی

مدیر ارتباطات و رسانه محمد خاجی

مدیر امور مالی مهدی آفریده

همکاران دبیرخانه هنری و اجرایی جشنواره
زهرا صالحی، باران حمیدی، فرشته زمانی، حامد شفیع پور
مریم صفری، علیرضا اسمعیلی، وریشه معاذیان
عیسی کاظمی، آناهیتا آرمودیان مقدم، رسول پورعظیمی
احسان رشگی، معصومه طوبایی، علی آفریده، مریم تقیان
احمد بهرمند، مجتبی فتحعلی زاده
حسن حبیبی، ابراهیم سلیمانی

همکاران موزه هنرهای معاصر تهران
حسن نوفرستی، بابک نظری، احسان برزین، نسرین عظیمی
احسان اله عباسی، مهدی رحیمی، اردشیر کاووسی، ناصر بهی‌زادیان
فرشید رخشنده صفت، علی مرادی، علی شهبازی، بهزاد همتی
آرزو کامران نژاد، الناز هاشم پور، شاهین زمانی، سحر متکی، کبری ناطقی
شیرین اردیبهشتی، ناهید عوضزاده، الناز هاشم زاده، مهسا مانا
علی شهبازی مقدم، هادی مرادی، احسان الله عباسی مخشری،
ستاره کاشانی، شاهین زمانی طهرانی، روزبه سلطان محمدی،
مهناز صحاف، مینو عالمی ، علی سیل سپور، فرانک آرتا،
داود بنی اردلان، مهرداد سلجوقی، شیرین فضیلت

همکاران اجرایی بخش های تخصصی
مهدی مرادی، اکرامه تقوایی، محمدرضا بهشتی منفرد

همکاران معاونت امور هنری و اداره کل هنرهای تجسمی
محمدباقر صنیعی منش، محمدرضا محمدزاده، محسن
هاشمی، سیدمحمدرضا تقوی، محمد سلحشور

طراح نشان طوبای زرین مصطفی گودرزی
طراح نوشتار جشنواره شانزدهم صداقت جباری

طراح پوستر جشنواره صابر شیخ رضایی

طراح پوستر تجسم هنر سعید کریمی

ساخت تندیس طوبای زرین داور برقی نعیمی

تیم مستندسازی علی صداقت کریمی، حامد فرشته حکمت، شهرام ملکزاده

عکاسان رویداد معین باقری، پانته آ نیکزاد

عکاس آثار جشنواره یدالله ولیزاده

سایت و پشتیبانی نرم‌افزاری وحید علینقی زاده

گرافیک محیطی مهدی نظری، میلاد نظری، مهدی جعفری

با سپاس از

رییس فرهنگستان هنر
مجید شاه حسینی

سرپرست موسسه فرهنگی و هنری صبا
بهنام زنگی

مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری
محمد زرویی نصرآباد

مدیر حراست معاونت امور هنری
مهدی سهل آبادی

مشاور برنامه ریزی و نظارت راهبردی معاونت امورهنری
سیدامین مؤیدی اصفهانی

مشاور اجرایی معاونت امور هنری
محسن شریفی

دبیر شورای هنری اداره کل هنرهای تجسمی
سید مصطفی زراوندیان

معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی اداره کل هنرهای تجسمی
مجید محمدی

مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها

همکاران اداره کل هنرهای تجسمی

همکاران موزه هنرهای معاصر تهران

همکاران موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر

همکاران موسسه فرهنگی و هنری صبا

همکاران مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری

همکاران موسسه فرهنگی و هنری نام و هنر

و با تشکر از همه هنرمندان و عزیزانی که ما را در برگزاری
این رویداد فرهنگی هنری یاری نمودند.

fajrtajasomi.ir